

## زنان دربار قاجار و مطالبات اقتصادی و اجتماعی با تأکید بر اسناد

محمد حسن نیا<sup>۱</sup>  
ریحانه ناظم

### چکیده

دوره قاجار، تحت تأثیر فضای جهانی و عوامل داخلی، تحولات فرهنگی و سیاسی مهمی را طی کرد که در این میان، زنان ایرانی که نیمی از جامعه آن روز ایران را تشکیل می‌دادند، دارای نوعی خودآگاهی شدند و این خودآگاهی، زنان شاه و درخواست اقتصادی آنان را نیز در بر می‌گرفت. در این دوره ما همواره شاهد سهم‌خواهی زنان درباری از حق و حقوق آن‌ها هستیم. این نوشتار با روش توصیفی تحلیلی در نظر دارد حیات اقتصادی و فرهنگی زنان در دوره قاجار تا عصر مشروطه را با توجه به مسائل اقتصادی دربار و جامعه قاجاری مورد مذاقه قرار دهد و به واکاوی علل و عوامل به وجود آمدن خودآگاهی اقتصادی زنان دربار و شیوه مطالبه حق و حقوق آن‌ها از ولایات و ایالات بپردازد؛ همچنین نشان دهد زنان در دوره قاجار، یک جمعیت منفعل در حیات سیاسی و اقتصادی نبودند و در بسیاری از موارد نقش فعال‌تری داشتند. به نظر می‌رسد جامعه زنان در عصر ناصری، تحولاتی را پشت سر گذاشت که منجر به شکوفایی نقش زنان در دوره مشروطه به بعد گردید.

**کلیدواژه:** زنان، دوره ناصری، قاجار، اقتصاد زنان، زن و فرهنگ، زنان شاه

۱. دکترای تاریخ

## مقدمه

زنان در عصر قاجار اعم از زنان درباری و غیر درباری، تا حدودی به حقوق خود آشنا شده بودند و حتی زنان شاه که بسیاری از مسائل مالی آن‌ها به وسیله حکام ولایات تعیین می‌گردید، در صورت عدم پرداخت حق‌السهم آن‌ها به دفاع از خود و اخذ حقوقشان می‌پرداختند که این مهم در اسنادی که در این مجموعه وجود دارد، به خوبی مشخص است؛ بنابراین ابتدا به نقش و جایگاه زنان توجه شده و سپس اسناد مربوط به چگونگی حق‌السهم‌خواهی زنان شاه بررسی می‌گردد.

جایگاه زنان در جامعه ایران عصر قاجار با پایگاه اجتماعی و محیط زندگی آنان ارتباط مستقیم داشت. هر چند زنان قشرهای پایین شهری و روستایی از توان مالی و اقتصادی کمتری برخوردار بودند و متون تاریخی کمتر از کارکرد و جایگاه اجتماعی آنان سخن گفته‌اند؛ زنان فرا دست شهری از آزادی بیشتری در نوع کارکرد و پوشش برخوردار بودند و به راحتی در جامعه فعالیت داشتند، اما همچون دیگر زنان از شهروندان درجه دو به شمار می‌آمدند و از کمترین حقوق مدنی برخوردار نبودند؛<sup>۱</sup> به طوری که تا پیش از برپایی نظام مشروطیت، حتی برای درمان بیماری‌های خود حق رفتن به مریض‌خانه یا آوردن مریض را نداشتند.<sup>۲</sup> زنان فرادست جامعه شهری، از محدودترین افراد به شمار می‌آمدند؛ پای‌بندی‌های خانوادگی، آنان را از جنبه‌های مختلف فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دور نگاه می‌داشت؛ به همین دلیل فعالیت‌ها در چهارچوب کارهای خانه محدود می‌شد، گرچه با توجه به جایگاه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خاندان‌های طبقات بالای جامعه، این کارکرد به گروه‌های کوچک یا بزرگی از مستخدمان زن یا مرد واگذار می‌شد، اما گاه از امتیاز با سواد شدن برخوردار می‌شدند و به واسطه سواد آموزی نقش مهمی در آگاه ساختن دیگر بانوان داشتند. بعضی از آنان در جریان‌های اجتماعی - سیاسی از جمله بلوای نان، جنبش تنباکو و مهمتر از همه، انقلاب مشروطیت سهم به‌سزایی داشتند. جنگ‌های ایران و روسیه - و به دنبال آن - نابسامانی‌های اقتصادی، وابستگی سیاسی به انگلیس و روسیه، قانونمند نبودن روابط مردم و حکومت و در نتیجه بروز استبداد در حاکمیت، به سبب به وجود آمدن جنبش‌های سیاسی - اجتماعی وقایعی بود که در تمام آن‌ها بانوان - اگر نه بیشتر از مردان - که دوشادوش آنان در مبارزه علیه استبداد حضور فعال یافتند.<sup>۳</sup> به تدریج با رویارویی جامعه ایران با نوگرایی و نوسازی که موج اول آن در دوران عباس میرزا و موج دوم در عصر ناصری پدیدار شد، ایرانیان با چالشی محسوس روبه‌رو شدند. زنان که نیمی از جمعیت ایران را تشکیل میدادند بر اساس ساختار تاریخی کمتر در فعالیت‌های روشنفکری و سیاسی و اجتماعی شرکت داشته و بیشتر به نقش سنتی خود که همانا تمشیت امور خانه بود مشغول بودند، در حالی که دنیای خارج از

۱. جان فوران، مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، ج ۸ (تهران: رسا، ۱۳۸۲)، ص ۲۰۵.

۲. جان ویشارد، بیست سال در ایران، ترجمه علی‌پیرنیا (تهران: نوین، ۱۳۶۳)، ص ۵.

۳. فاطمه ترکچی و علی ططری، اسناد بانوان در دوره مشروطیت و دوره دوم و سوم مجلس شورای ملی (تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰)، ص ۲۰.

ایران به خصوص غرب با تمام نیرو برای ارتقا و تعالی خود گام برمی داشت زنان در کنج خانه‌ها و پستوها عمر گرانیامیه سپری می کردند و یارای ورود به صحنه‌های اجتماعی را آن گونه که باید و شاید نداشتند. این خسران بزرگی در راه توسعه بود و جامعه را در تنگنای روابط اجتماعی برخاسته از تمدن و تجدد قرار می داد.

### ۱. وضعیت زنان در عصر ناصری و مسائل اقتصادی آنها

وضعیت اجتماعی نابسامان زن در دوره ناصرالدین شاه نیز همچون دوره‌های قبل ادامه داشت. در این دوره برخی گزارش‌های تاریخی از وجود زنانی یاد می کند که از شهر اخراج می شدند. اعتمادالسلطنه در خاطرات خود می نویسد که پلیس سالی ۱۴ هزار تومان از آنها می گرفت<sup>۱</sup>. همچنین گزارش های از عدم پرداخت حق السهم حقوق زنان شاه در ایالات مختلف از جمله ایالات شمالی ایران وجود دارد که در اسناد این مجموعه به آن اشاره شده است.

وضعیت کلی زنان با دوره‌های پیش از خود تفاوت چندانی نداشت، اما از اواخر نیمه دوم سلطنت ناصرالدین شاه، تحولاتی رخ داد که شرایط حاکم بر جامعه را به تدریج دگرگون ساخت. از این زمان، ارتباط فرهنگی گسترده‌ای با اروپا آغاز شد و موج دوم نوگرایی را به جامعه ایران سرازیر نموده، موجب تغییراتی در سنن اجتماعی از جمله زندگی زنان گردید. نمونه آن، ورود کالاهای غرب و مصرف آن توسط طبقه نسوان بود. تغییرات ظاهری استفاده از کالاهای وارداتی چون صابون‌های معطر، جوراب‌های نازک، کفش‌های جدید و اشیاء تزئینی که خود نوعی تمایز ایجاد کرد، همراه معاشرت با زنان اروپایی و شیفتگی، روند تقلید را باب نمود. از سوی دیگر باید به چاپ و انتشار روزنامه‌ها، ترجمه و تألیف کتب، گسترش مدارس به سبک جدید و افزایش نسبی قشر تحصیل کرده و روشنفکر و نیز تأثیر محیط بین الملل بر عرصه محیط داخلی اشاره کرد که همگی سرآغاز تحولات بیشتری در آن دوره و دوره‌های بعد شدند. روشنفکران با طرح ویژگی‌های جامعه مدرن، امکان تجربیات جدیدی را برای زنان فراهم ساختند و همسران و دختران افرادی که در معرض این مسائل قرار داشتند، جسسته و گریخته با این افکار آشنا شدند. یکی از اتفاقات مهم عصر ناصری، واقعه رژی بود که برای نخستین بار زنان در کنار مردان به مخالفت و اعتراض پرداخته و حتی اقدام به بستن بازارها نمودند<sup>۲</sup>. حتی زنان دربار با تمایل عمومی جامعه همراه شدند و مانع از کشیدن قلیان پادشاه در دربار گردیدند.

روند وقایع در ایران دوره قاجار به گونه‌ای بود که هر چه پیش تر می رفت، تحولاتش فزونی می یافت و برای جامعه آن عصر و حتی برای زنان نیز راه حضور و مشارکت سیاسی و اجتماعی بیشتری باز می کرد. از جنبه‌های مهم تحول در حیات اجتماعی و فرهنگی زنان این دوران، شکل گیری ادبیات انتقادی توسط برخی زنان بود که گرچه اندک اما بسیار مهم است. نمونه آن رساله خانم استرآبادی است. در واقع *معایب الرجال* عنوان رساله‌ای است که بی بی خانم استرآبادی در سال ۱۳۱۳ هـ ق در پاسخ و اعتراض به رساله *تأدیب النسوان* نوشت. موضوع *معایب الرجال*، بحث و انتقادزنی هوشمند در سنت تربیت زن و خانواده است.

۱. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، خاطرات اعتمادالسلطنه، به کوشش ایرج افشار (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۰)، ص ۱۵۹.

۲. بشری دلریش، زن در دوره قاجاریه، ج ۲ (تهران: دفتر مطالعات دینی و حوزه هنری، ۱۳۷۶)، ص ۱۵۹.

بی بی خانم با خواندن رساله‌ای که از آن با عنوان *تأدیب النسوان* یاد کرده، ناراحت شده بود. تا آن وقت این فرض همگانی را خواه ناخواه پذیرفته بودند که عقل و تجربه هر چه هست، از آن مردان است که کاملاً جهان شناخته‌اند. به عکس، زنان به ضرورت، زندگی را در «قفس بی‌خردی» می‌گذرانند. پس خطاب به خواهران خود می‌گفت: «نصیحت پذیرید... تا در دنیا و آخرت رستگار شوید. خداوند شما زنان را برای مردان آفریده تا کشت و زرع مردان باشید و نسل زیاد کنید که کاری دیگر از شما به عمل نخواهد آمد»<sup>۱</sup>. در واقع با زبان کنایه اشاره می‌کند که زنان از نظر مردان، عاجزند. پس باید مطیع امر شوی خود باشند. اما مضمون *تأدیب النسوان* و تجربه روزگار به او آموخت که این پندنویسان آدم‌های بدی هستند. می‌نویسد: «آن نادره دوران و اعجوبه زمان که به چنین رساله‌ای پرداخته و از شعور بی‌بهره است، آیا بهتر نبود که اول به اصلاح در صفات رذیله خویشتن برآید؟»<sup>۲</sup>

*معایب الرجال* در سال ترور ناصرالدین شاه قاجار انتشار یافت. نکته جالب توجه آن است که ارائه چنین اثری، سی سال بعد از سوی تاج‌السلطنه، دختر ناصرالدین شاه تکرار شد. او در سال ۱۳۴۳ هـ. ق. خطرات خود را با رویکردی انتقادی نسبت به وضعیت زن به نگارش درآورد.

تاج‌السلطنه که هنجارها و افکار سنتی عصر خویش را مورد پرسش قرار داد، از زنان پیشگام در دربار بود. او با تاریخ فرانسه و شخصیت‌های برجسته جهان همانند پطر کبیر، ویکتور هوگو، روسو، داروین و دیگران آشنا شد؛ زبان فرانسه و علوم جدید آموخت و ساعت‌هایی از عمر خود را به خواندن رمان‌های فرنگی گذراند. افکار انتقادی او در خصوص سیاست‌های دولت، اوضاع اجتماعی، اخلاق اجتماعی و شیوه فرزندان موجود است و به همین دلیل از دیگر زنان درباری متمایز می‌شود. درک تاج‌السلطنه از نوگرایی به صورت‌های زیر خلاصه می‌شود:

۱. اهمیت دادن به علم و دانش؛
  ۲. داشتن حق انتخاب همسر با تکیه بر علاقه‌مندی قبل از ازدواج؛
  ۳. میل به پیشرفت و ضرورت حضور زنان در عرصه اجتماعی؛
  ۴. شکستن فضای بسته سنت، آگاهی از شیوه‌های دیگر زندگی و دستیابی به افکار جدید.
- او درمی‌یابد که «دنیا همین تهران نیست»<sup>۳</sup> و دیگر نمی‌هراسد که از شوهر و مادرش اطاعت نکند. تاج‌السلطنه معتقد بود که زنان برای کسب حقوق انسانی و ارتباط با شرایط اجتماعی باید بکوشند و از عوامل حضور اجتماعی و اقتصادی زنان، باز کردن روی آنان است تا با مردان در امور اجتماعی مشارکت کنند.

## ۲. خانواده و نقش حقوقی زنان در بستر سنت (از عصر قاجار و سال‌های پس از مشروطه)

در جوامع سنتی، مناسبات اجتماعی از پیش تعیین شده است. فرد در جمع، تابع روح جمعی است و جایگاه

۱. بی بی خانم استرآبادی، در افکار سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، از فریدون آدمیت و هما ناطق (تهران: آگاه، ۱۳۵۷)، ص ۲۳.

۲. همان.

۳. تاج‌السلطنه، *خاطرات تاج‌السلطنه*، ص ۱۶۱.

زن با نقش‌های مختلفی که ایفا می‌کند، تعریف خود را دارد. مهم‌ترین نقش زنان، جایگاه آنان به عنوان همسر و مادر بود؛ از این‌رو زنانی که در این دو نقش ناموفق بودند، با عناوینی چون «ترشیده» و «اجاق کور»، علت وجودی خود را از دست می‌دادند. «انتخاب، معنا و مفهومی نداشت و همسر آینده نه بر اساس عشق و علائق مشترک، که معمولاً با حساب و کتاب‌های معین خانوادگی، اجتماعی، مالی و گاه سیاسی از سوی بزرگان خانواده برگزیده می‌شدند»<sup>۱</sup>. جمله معروف «عشق بعد از ازدواج»، بازتاب چنین تفکری است. نقش اصلی زن سنتی، در خانواده معنا می‌یافت. زنان طبقه متوسط و پایین شهری و زنان روستایی و ایلی، وظایف متعددی در برابر خانواده داشتند و تمامی وقت خود را برای تهیه غذا، مراقبت از فرزندان، رسیدگی به امور خانه و انجام کارهای ریز و درشت خانگی می‌گذراندند که کاری بی‌انتهای، ملال‌آور، تکرار شونده و بدون جاذبه بود. زنان روستایی و ایلی، محدودیت‌های کمتری نسبت به زنان معمولی شهری داشتند.<sup>۲</sup>

اما پس از عصر مشروطه و تغییر و تحول در سازمان و حیات اجتماعی و اقتصادی زنان، تغییراتی در مورد حق‌السهم داده شده به زنان شاه صورت گرفت و اسنادی از اعتراض زنان شاه نسبت به این حق‌السهم‌ها در سال‌های ۱۳۳۱ هـ ق تا ۱۳۳۵ هـ ق موجود است که نشان می‌دهد زنانی نظیر عزیزالسلطنه، حاجیه فاطمه سلطان، محبوب‌السلطنه و فرنگیس خانم نسبت به پرداخت مستمری آن‌ها اعتراض داشتند<sup>۳</sup> و حکام ایالات که بیشتر از انقلاب مشروطه تأثیر پذیرفته بودند، در مقابل درخواست‌های زنان شاه که بیشتر آن‌ها زنان حرمسرای ناصرالدین شاه بودند، مقاومت می‌کردند.<sup>۴</sup>

### ۳. نقش زنان در تولید و مسائل اقتصادی

زنان در عهد قاجار، خواه از طریق تولید برای خانواده و خواه تولید برای امرار معاش، نقش مهمی در معیشت خانواده ایفا می‌کردند. این نقش در اقتصاد کشور نیز بی‌تأثیر نبود، چنان‌که یکی از دلایلی که به نظام چند زنی دامن می‌زد، استفاده از نیروی جسمی زنان در تولیدات دامی و کشاورزی بود. در میان قبایل ترکمان، ازدواج با زنان بیوه به دلیل تجربیاتی که آنان در قالبیافی و دامپروری داشتند، از اولویت بیشتری برخوردار بود.<sup>۵</sup>

زنان روستایی و ایلی در امور زراعی، تولیدات خانگی، تهیه مواد لبنی، آوردن آب، پخت نان و فعالیت‌های ریز و درشت دیگر، مشارکت داشتند و چهره خود را همچون زنان شهری با روئیده نمی‌بستند.<sup>۶</sup> آنان با

۱. اوژن اوین، *ایران امروز*، ترجمه علی اصغر سعیدی، ص ۱۱۰.

۲. دیولافوا، *سفرنامه مادام دیولافوا*، ترجمه همایون فره وشی، ص ۷۳.

۳. آرشیو اسناد ملی ایران، سند شماره ۴۳۵۸-۲۴۰.

۴. آرشیو اسناد ملی ایران، سند شماره ۴۳۵۶-۲۴۰.

۵. ه. ل. رابینو، *سفرنامه مازندران و استرآباد*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، صص ۱۵۳، ۱۵۲.

۶. کلارا آیاکولیو، *زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان*، ص ۴۶.

تولیدات خانگی مثل قالی‌بافی و انواع کارهای هنری روی پارچه‌های گوناگون، سهم بیشتری در چرخاندن امور خانه و اقتصاد آن ایفا می‌کردند. اما زنان طبقات بالای شهری، وظایف مربوط به امور خانه و بچه‌ها را نیز به خدمتکاران محول می‌کردند؛ از این رو اوقات آنان با ملالت و محدودیت‌های بیشتری همراه بود.<sup>۱</sup> این محدودیت برای زنان دربار به مراتب بیشتر بود. گلدوزی از جمله هنرهایی بود که آنان را به خود مشغول می‌داشت، امری که سیاحان آن را نتیجه انزوای زنان می‌دانستند.

### ۱-۳. زنان و مشاغل کاذب

حضور زنان در امور تولیدی همچون کشاورزی، دامپروری و صنایع دستی از کارآمدی آنان و هم‌دوشی با مردان در امور اقتصادی حکایت دارد که اشارات سیاحان و سفرنامه‌ها نشانگر آن است، اما از موضوعات دیگر سفرنامه‌ها، رانده شدن برخی از زنان به سوی مشاغل کاذب به منظور امرار معاش بود.

شرع و عرف جامعه و به تبع آن حکومت، با کار این زنان مخالفت می‌کرد، اما با وجود فشار و محدودیت‌ها، شاهد رونق کار آن‌ها در جامعه بوده و هستیم. مجازات‌هایی که در حق این زنان اعمال می‌شد، همه سطحی و کم دوام بود.<sup>۲</sup> عامل اصلی بی‌اثر بودن اقدامات حکومت برای محو زنان بدکاره در جامعه را باید در ساختار فاسد نظام حکومتی قاجار جستجو کرد، زیرا وجود این زنان، همواره منافع فراوانی برای حکومت و دست‌اندرکاران سیاسی داشت.

لرد کرزن در اثر خود، *ایران و قضیه ایران*، همانند اعتمادالسلطنه، به استفاده از زنان بدکاره در بزم‌های محرمانه و حق‌السکوت این مجالس - که کسری مخارج دولت را جبران می‌کرد - خبر می‌دهد.<sup>۳</sup>

آنچه به رونق بازار زنان بدکاره دامن می‌زد، از یک سو عدم حمایت قانون از زنان بیوه و فقدان مراکز تولیدی و اقتصادی بود و از سوی دیگر، عطش رجال، متمولان و سربازان قاجار در کامجویی از زنان بی‌پناه. روزنامه حبل‌المتین در یکی از شماره‌های خود، اثرات بیکاری و فقدان مراکز اشتغال در جامعه را به خوبی تشریح می‌کند: «دو ثلث اهالی ایران بی‌شغل و دولت خداداد است... روز و شب مردان و زنان حیران و سرگردان و در وادی سفالت و جهالت قدم می‌زنند. چون گرسنه و محتاج قوت لایموت می‌شوند، از باب ناچاری و سد جوع، به عمل فحشا و منکرات تشبث می‌نمایند. این همه اراضی لم یزرع بی‌صاحب و بی‌حاصل مانده و فریاد «وا افسلا» از دولت و ملت به گوش عبوق می‌رسد...»<sup>۴</sup>

حکومت قاجاریه با وجود نیاز زنان بیوه، هرگز به حمایت مالی دست نزد. تنها ناظم‌الاسلام در کتاب خود خبر می‌دهد که روز پنجشنبه ۱۸ ذی‌القعدة ۱۳۳۴ هـ.ق مجلس نوپا، مذاکراتی را در باب برقراری مستمری برای ورثه مقتول انجام نداد.<sup>۵</sup>

۱. کارلا سرنا، مردم و دیدنی‌های ایران، ترجمه غلامرضا سمیعی، ص ۴۶.

۲. ادیب‌الملک، سفرنامه ادیب‌الملک به عتبات، ص ۲۱۳.

۳. جرج ناتیل کرزن، ایران و قضیه ایران، ج ۲، ص ۵۶۵.

۴. «حبل‌المتین کلکته»، سال بیست و دوم، ۱۵ جمادی‌الثانی ۱۳۳۲. شماره ۱، صص ۷-۸.

۵. ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۲، ص ۴۵.

یکی دیگر از شیوه‌های امرار معاش زنان، رقاصی و مطربی بود. کانون اصلی به کارگیری این زنان، دربار بود. بزم‌های درباری فتحعلی‌شاه با هنرنمایی رقاصه‌ها، مطربان و نوازندگان زن تکمیل می‌شد که علاوه بر تشکیلات خاص در دربار، حقوق و مواجب مرتبی هم داشتند. به یقین نمی‌توان گفت که گروه‌های رقص، از چه زمانی تحت نظارت دربار درآمده و وابسته به نقاره‌خانه‌های دولتی شدند، اما بنا به گزارشی که مربوط به سال‌های ۱۳۲۵ - ۱۳۲۶ هـ ق است رئیس صنف رقاصان دربار را «احتشام خلوت» می‌نامیدند که وظیفه او نصب رئیس نقاره‌خانه‌ها در شهرهای مختلف بود. در همین زمان در تهران چهار دسته نه تا ده نفری از رقاصان و مطربان، تحت ریاست کاظم خان باشی، رئیس وقت نقاره‌خانه‌ها قرار داشتند.<sup>۱</sup>

یکی از عرصه‌های اشتغال غیر تولیدی پاره‌ای از زنان که رایج‌تر بود، خدمتکاری آنان با عناوین متفاوتی چون دده، گیس سفید و دایه نزد خاندان‌های متمول بود، به نحوی که وجود آن‌ها از عوامل مهم، در به گردش درآوردن چرخ زندگی خانواده‌های متمول به حساب می‌آمد، زیرا زنان این قبیل خانواده‌ها، به سبب حفظ ظواهر اشرافی، از پرورش کودکان خودداری می‌کردند و با دیگر وظایف یک زن خانه‌دار، نظیر آشپزی، خرید از بازار و نظافت منزل نیز بیگانه بودند. این راحتی‌ها به ضرورت موجب استفاده از زنان طبقات محروم جهت انجام کارهای رایج اندرون می‌گردید. از آنجایی که وجود خدمتکاران در خانه همواره مورد نیاز بود، اکثراً به صورت ثابت در منزل اربابان خود اقامت می‌گزیدند و ضمن برخورداری از پوشاک و خوراک، ماهیانه یا سالیانه، به فراخور سابقه و اهمیت کار خود، مواجبی هم دریافت می‌داشتند.<sup>۲</sup>

طبابت با استفاده از گیاهان دارویی از جمله مشاغل خدماتی برخی از زنان بود. «طبای دهات در آن دوره، منحصر به پیرزن‌ها و دواهای آن‌ها می‌شد. به یک تا دو تا گیاه نظیر اصل السوس و آنخ و ارامنه ترکی که آن‌ها را در میان جای جوش‌های سنگی می‌جوشانیدند و به خورد مریض می‌دادند...»<sup>۳</sup>.

زنان طبیب، حتی جراحی‌های کوچک هم انجام می‌دادند. دکتر پولاک در این مورد چنین گزارش می‌دهد: «جراحی‌های کوچک در مورد زنان، بیشتر توسط جراحان زن انجام می‌گیرد. از این جراحان زن، دو تن در تهران به داشتن مهارت شهرت دارند. با وجود این، اغلب و بیشتر در موارد خطرناک، از جراحان مرد کمک می‌طلبند»<sup>۴</sup>. همچنین در ادامه بیان می‌کند: «در بین افراد متعددی - چه زن و چه مرد - که به کار طبابت اشتغال دارند، فقط تعداد بسیار اندکی هستند که درس تخصصی را در این رشته خوانده‌اند یا نوشته‌های فارسی و عربی در این زمینه را می‌شناسند. وقتی کار کسی بالا می‌گیرد که چند فرمول نسخه را حفظ کند. همهٔ معلومات داروشناسی این افراد اغلب محدود می‌شود به اینکه چند داروی عطاری را که در هر عطاری‌ای هست، بدانند»<sup>۵</sup>.

۱. اوژن اوین، ص ۴۹ - ۲۹.

۲. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۱، ص ۲۳۱.

۳. محمدحسن نجفی قوچانی، سیاحت شرق، تصحیح رمضانعلی شاکری، چ ۲ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲)، ص ۲-۳.

۴. یاکوب ادوارد پولاک، سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»، صص ۴-۲.

۵. همان، ص ۳۶۹.

بسیار بعید به نظر می‌رسد که زنان در آن دوره با طبابت به صورت علمی آن آشنا شده باشند. در این مورد تنها در دوره احمد شاه به نام خانم دکتر کحال که نزد مسیونرهای مذهبی آمریکایی تحصیل کرده و طبابت را از آنان آموخته بود، برخورد می‌کنیم.<sup>۱</sup>

زنان عهد قاجار در امر مبادلات تجاری و بازار نیز، در سطح بسیار محدودی سهمیم بودند. بدین صورت که یا مانند فروشندگان دوره‌گرد، به فروختن پارچه در منازل می‌پرداختند<sup>۲</sup> یا در خیابان‌ها مشغول دست‌فروشی می‌شدند.

#### ۴. حضور اجتماعی زنان تا آغاز مشروطه

عصر قاجار تمامی شرایط لازم برای محدود کردن هر چه بیشتر زنان و عدم حضور اجتماعی آنان را فراهم می‌کرد. نظام‌مند نبودن جامعه، ناامنی، نبودن قوانین حمایتی نهادها و سازمان‌های حمایت‌گر، موجب محدودیت فعالیت زنان در جامعه بود. نظام سلطه، تهاجم و بهره‌جویی از زنان در صورت مهیا شدن شرایط از سوی صاحبان قدرت در هر منصب و شغلی، موجب ناامنی و محدودیت حضور زنان در جامعه می‌شد. از سوی دیگر غیرت، تعصب و هنجارهای ارزشی و اخلاقی جامعه نیز پابندی دیگری برای زنان بی‌پناه بود که از همه سو مورد تهاجم و فشار اجتماعی قرار داشتند. زنان همواره با مسئله غیرت مردان وابسته به خود درگیر بودند. گاه شدت غیرت موجب به قتل رسیدن آن‌ها می‌شد. به گزارش عین السلطنه: «زنان و دختران شیئی تلقی می‌شدند متعلق به پدر، همسر، برادر و دیگر اعضای فامیل که در صورت بروز خطایی از سوی آنان، در درجه اول مورد مجازات اعضای خانواده خود قرار می‌گرفتند، در صورتی که این مجازات‌ها هیچ وجه برای مردان اعمال نمی‌شد».<sup>۳</sup>

حضور اجتماعی زنان نیز نیاز به پذیرش عمومی داشت. حقیر شمردن زنان از زمان تولد نوزاد دختر آغاز می‌شد.<sup>۴</sup> تصورات حقارت آمیز در مورد ضعف و ناتوانی زنان، بی‌سوادی و محدودیت‌های بسیار آنان در ارتباط با فضای اجتماعی به حدی بود که او موجودی مستقل با نام و نشانی معین نبود. نام زنان در محیط‌های اجتماعی برده نمی‌شد. آن‌ها را ضعیفه یا با نام فرزندان ذکور می‌خواندند.

با چنین شرایطی، شخصیتی ناتوان و وابسته که تنها پناهنش اطاعت محض از مرد خویش باشد، به وجود می‌آمد. در این فضای بسته، امکان هرگونه فعالیت اجتماعی از زنان گرفته می‌شد و آنان راهی جز پناه بردن به جادو، فال، خرافه و دعانویسی نداشتند. این اعمال، جبرانی برای ناتوانی‌ها و واکنشی مقابل محدودیت اجتماعی آنان بود. «کمک گرفتن از شیرهای سنگی، مناره‌ها، مکان‌های مقدس و مراکزی که به هر دلیل مورد توجه قرار می‌گرفت، پخش آجیل مشکل‌گشا، بستن چهل گره و انواع نخ و ریسمان بر این مکان‌ها برای حل مشکلات متعددی چون نازایی، گشودن بخت، جلب محبت همسر، تضعیف رقیبان، آوردن فرزند

۱. عبدالحسین ناهید، *زنان ایران در جنبش مشروطه*، ص ۱۱۹.

۲. مهدی قلی‌خان هدایت (مخبر السلطنه)، *گزارش ایران*، ص ۱۱۰.

۳. عین السلطنه، *روزنامه خاطرات*، ص ۴۹۴.

۴. مونس‌الدوله، *خاطرات مونس‌الدوله*، به کوشش سیروس سعدوندیان، ص ۵.



پسر و خواست‌های متعدد از این دسته بود»<sup>۱</sup>.

به گزارش مونس‌الدوله: «زنان امکان خروج از فضای اندورنی با مسائل خاص آن را نداشتند. محیط‌های زنانه بدون درگیری مستقیم با حوزه‌های اجتماعی خاص بود. در واقع کار اجتماعی زنان معنا و مفهومی نداشت و نوعی کسر شأن محسوب می‌شد»<sup>۲</sup> و در هنجارهای اجتماعی آن زمان عیب و ننگ به حساب می‌آمد. تنها کسانی تن به کارهای معدود و مخصوص زنان می‌دادند که اجبار اقتصادی آنان را وادار می‌کرد. در واقع تا پیش از انقلاب مشروطه، فقط معدودی از زنان توانستند درس بخوانند و طبقه اشراف و اعیان با معلم سرخانه به تعلیم پسران و گاهی در کنار آنان به دختران خود نیز اجازه یادگیری می‌دادند.

معدود کسانی از طبقه متوسط جامعه، دختران خود را به مکتب‌خانه‌ها می‌فرستادند، ولی دختران طبقات پایین اجتماع به دلیل ناتوانی مالی این طبقات در پرداخت حق‌الزحمه معلمان سرخانه، عمدتاً بی‌سواد بودند.<sup>۳</sup> مفاد درسی در این دوره، شریعت و فراگیری قرآن در سطح خواندن بدون توجه به معنای آن و اندک نوشتن و خواندن دیوان‌های شاعرانی چون حافظ و سعدی و فردوسی بود. مشارکت زنان در امور خیریه نیز از دیگر فعالیت‌های اجتماعی آنان محسوب می‌شد.<sup>۴</sup> گرایش زنان به این شاخه از فعالیت‌های اجتماعی در همه زمان‌ها و مکان‌ها وجود داشته است. انجام این امور از یک سو به منظور کسب فیوضات مذهبی و تأیید و تأکید آن از سوی مذهب و باورهای دینی و عرفی و از سوی دیگر ارضای عاطفی زنان طبقه مرفه جامعه بوده است و احساس بودن و مفید واقع شدن آن‌ها که جبرانی برای عدم فعالیت‌های دیگر اجتماعی بود. علاوه بر آن هنجارهای اجتماعی، امکان عمل در این حوزه را برای زنان بیشتر فراهم می‌کرد.

در پایان سلطنت ناصرالدین شاه، در اثر تماس بیشتر با خارج و انتقادات عده‌ای از متفکرین داخلی، مردم از آگاهی بیشتری برخوردار شدند و این معنی بدون شک زنان را نیز تحت تأثیر قرار داد که نتیجه آن در دوره مشروطه ظاهر شد.

شاید بتوان این دوره را یک دوره آگاهی و آمادگی دانست. با آغاز انقلاب مشروطه، آزادی‌خواهان و مشروطه‌طلبان به حمایت از زنان پرداختند و موقعیت پست اجتماعی، خرافات و بی‌سوادی و بی‌ارزشی آن‌ها را توصیف کردند. زنان نیز با اتکا به پدیده آزادی‌های جدید، در تظاهرات شرکت جستند و به فعالیت سیاسی پرداختند که در ذیل خواهد آمد.

۵. نقش زنان در جنبش‌های پیش از مشروطه

دوران ناصری با تحولات بسیاری در حوزه سیاست همراه بود. جنبش بابیه، بلوای نان و جنبش تنباکو از جمله خیزش‌های عمومی بود که زنان در آن نقش فعالی داشتند.

## ۵ - ۱. نقش زنان در جنبش بابیه

در جنبش بابیه با طرح عقاید جدید در مورد زنان این گروه اجتماعی با مردان همراه شدند. زرین تاج قزوینی

۱. پولاک، ص ۱۵۵.

۲. مونس‌الدوله، ص ۸.

۳. بشری دلریش، همان، ص ۱۲۱.

۴. همان، ص ۸۴.

معروف به قره‌العین، بنا به نقل سید کاظم رشتی، از جمله اینان بود.<sup>۱</sup> وی فرزند حاج ملا صالح قزوینی برقانی است؛ پدر و عموهایش به عقاید شیخیه تمایل داشتند و او در محضر آنان و تحت تأثیرشان، به عقاید شیخیه گروید و سپس به علی محمد باب نزدیک شد.<sup>۲</sup> او در مجالس بحث و سخنرانی‌هایش به ممنوعیت محصور شدن زن در حرمسراها و اندرونی‌ها و برابری حقوق زنان با مردان و گشایش چهره آنان می‌پرداخت.

از دیگر زنان می‌توان، خانم بزرگ، خواهر میرزا یحیی دولت‌آبادی را نام برد و همچنین خواهر ملاحسین بشرویه، از دیگر زنانی بودند که در جنبش باییه نقش ایفا کردند. در این جنبش، یک رشته قیام‌های مسلحانه ضد قدرت شاه در ایالات مازندران، زنجان و نیریز برپا و بعد از آن تلاش ناموفقی در تهران برای ترور ناصرالدین شاه انجام شد. طبقهٔ نسوان برای این گونه فعالیت‌ها لباس مردانه می‌پوشیدند و گاهی تعدادشان از مردان بیشتر بود و کشته هم می‌دادند.<sup>۳</sup>

### ۵-۲. نقش زنان در شورش نان

زنان در جنبش‌های مختلف چون شورش نان نیز شرکت فعال داشتند. حضور زنان در این عرصه، از آن رو بود که بنیان خانواده که تمامی فلسفهٔ وجودی و زندگی آنان بود، دچار مشکل و آسیب شد. این امر زنان را به حضور فعال اعتراض‌آمیز واداشت. در سال‌های قبل از مشروطه در دفعات مکرر، زنان طبقهٔ متوسط و تهیدست شهری در پایتخت و دیگر شهرها در اعتراض‌های مربوط به کمبود و گرانی نان، حضور چشمگیر داشتند. به گزارش عین‌السلطنه، آنان بارها جلوی کالسکهٔ شاه را گرفتند و اعتراض خود را به قحطی، گرانی و گرسنگی با خشونت ابراز کردند. بست‌نشینی در تلگراف‌خانه‌ها، سفارت‌خانه‌ها و اماکن مقدس نیز مرسوم بود.

در ماجرای شورش نان، زینب - همان زنی که در اعتراض به قرار داد رژئی پیشرو زنان تبریز بود - رهبری را بر عهده داشت. او پس از شناسایی محل انبار، نقشهٔ حمله را از پیش آماده کرد و در روز مقرر در حالی که روسری خود را از سر باز کرده و از آن پرچم ساخته بود، پیشاپیش بیوه زنان و خیل گرسنگان شهر، به سوی خانهٔ نظام‌العلما حرکت و آنجا را به محاصره درآورد.<sup>۴</sup>

در ذکر احوال زینب پاشا باید خاطر نشان شد که او سر دستهٔ زنان شرکت‌کننده در نهضت تحریم تنباکو و گشودن انبارهای محتکران تبریز در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه و اوایل سلطنت مظفرالدین شاه قاجار بود. تبریز به دنبال انتشار اعلان شرکت رژئی از اوایل محرم ۱۳۰۹ هـ ق به جوش و خروش آمد. زینب روستازاده، فرزند شیخ سلیمان، به القاب مختلفی چون شاه زینب، زینب باجی، ده باشی زینب معروف و فعال بود. در سال‌های بعد نیز در کار کشف انبارهای غلات مالکان و گشودن آن‌ها و تقسیم گندم و جو احتکار شده بین خانواده‌های تنگدست فعال بود. نام او در حوادث مصادره انبار میرزا عبدالرحیم قائم مقام پیشکار آذربایجان و انبار نظام‌العلما نیز آمده است.<sup>۵</sup>

بنابراین به طور کل زنان در طول دوره قاجار، کمی در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت داشته‌اند، اما تجربیات

۱. سعید زاهد زاهدانی، بهائیت در ایران، ص ۱۳۲.

۲. همان.

۳. فوران، ص ۲۴۳.

۴. دلریش، ص ۱۶۷.

۵. ناهید، صص ۵۴ - ۴۱.

سیاسی‌ای که زنان در طول دوره مشارکت سیاسی خود در جنبش‌های تنباکو و بعد از آن، انقلاب مشروطه به دست آوردند، سبب شد که در دیگر حوزه‌های اجتماعی نیز مشارکت کنند. تشکیل انجمن‌های مختلف، نشر روزنامه‌هایی مختص زنان، تأسیس مدارس به خصوص دخترانه و برگزاری کلاس‌های درس برای بزرگسالان و انواع دیگر مؤسسات در این دوره، توسط برخی از زنان طبقه بالایی جامعه صورت گرفت. زنان طبقات بالایی اجتماع، قبل از زنان سایر طبقات به تحصیلات و اطلاعات جدید دست یافتند. آن‌ها به دلیل برخورداری از فرصت‌هایی که از قبل طبقه اجتماعی خود به دست آورده بودند، به این نتیجه رسیدند که بهبود شرایط اجتماعی‌شان در گرو بهبود شرایط اجتماعی تمامی زنان ایرانی است. گرچه هسته‌های اولیه این حرکت زنان - که امروز به جنبش زنان معروف است - در آغاز از تعداد کمی از زنان تشکیل می‌شد، به تدریج با شور و شوقی که این زنان در راستای ایجاد فرصت‌های آموزشی، سیاسی و اجتماعی، از طریق انجمن‌ها و مؤسسات ابراز داشتند، مشارکت زنان در امور اجتماعی را افزایش داد. این اندیشه و تفکر از طریق مطبوعات و ایجاد تشکل‌های اجتماعی خود را نشان داد و نقش مهمی را در این زمینه ایفا کرد.

در یک ارزیابی کلی، می‌توان گفت که زنان از آغاز دوره قاجار تا عصر مشروطه، در فعالیت‌های فرهنگی نظیر شرکت در آموزش و پرورش کودکان؛ فعالیت‌های اجتماعی نظیر کمک به سیل‌زدگان، زلزله‌زدگان، طبابت؛ فعالیت‌های سیاسی نظیر شورش نان، امتیاز رژی، جنبش بابیه؛ فعالیت اقتصادی از قبیل صنایع دستی، کشاورزی، دامپروری، خرید و فروش، فروشندگان دوره‌گرد، مشارکت فعال داشتند و با وجود تلاش جامعه آن روز قاجار برای در خفا نشان دادن زنان، زنان عصر قاجار به ویژه زنان درباری تلاش وافر انجام دادند تا در کنار مردان آن جامعه، نامی برای خود دست و پا کنند.

با توجه به نقش اقتصادی زنان در جامعه عصر قاجار و از آنجایی که زنان ناصرالدین شاه همواره پی‌گیر مطالبات خود از ولایات مختلف ایران در زمینه اقتصادی بودند، اسنادی در این زمینه آورده می‌شود که نشان‌دهنده پی‌گیری زنان درباری در مورد احقاق حقوق خودشان است.

سند شماره ۱

دادخواهی عزیزالسلطنه در مورد عدم پرداخت حقوق او

نشان تاج و شیر و خورشید

Tresorerie Generale de Perse

خزانه‌داری کل ایران

Ind.No 6142

۷ سرطان ۱۳۳۱

وزارت جلیله مالیه

در جواب مرقومه به شماره ۲۹۲۲ راجع به حقوق ایت سرکار عزیزالسلطنه و غیره به عرض می‌رساند پس از رسیدگی در اداره اجمع مالیه با حضور آقای مکرم‌الدوله معلوم شد یک طغرا حواله که آقای میرزا کاظم خان پیشکار

سابق گیلان به بابت این حقوق و بعضی حقوق دیگر داده است و معادل است با یک هزار و سیصد و بیست تومان، به کلی لاوصول مانده است؛ بنابراین اداره کل مالیات حواله مزبور را به گیلان فرستاده که به توسط پیشکار مالیه حالیه وصول و ایصال شود.

امضا: ناخوانا

خزانه‌دار کل

مهر: ورود به کابینه وزارت مالیه، به تاریخ ۱۰ سرطان ۱۳۳۱، نمره ۴۰۰۰

مهر: دفتر وزارت امور خارجه، نمره ۱۹

۴۳۵۸-۲۴۰

## سند شماره ۲

شکایت همسران ناصرالدین شاه در مورد عدم پرداخت مستمری آن‌ها و دخیل بودن مکرّم‌الدوله

### در این کار

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت مالیه

اداره کابینه

به تاریخ ۱۳ جوز اودئیل ۱۳۳۱

نمره عمومی: ۲۹۲۲

کارتون: ۴۵

دوسیه: ۱

نوع مسوده: مکتوب

اداره خزانه‌داری کل

در خصوص حقوق سنه ماضیه ایت نیل سرکار علیه عزیزالسلطنه و سه نفر از زوجات مرحوم شاه شهید که خرج آمده گیلان و آقا میرزا کاظم خان امین مالیه آنجا قبوض آن‌ها را ضبط، ورقه آن را به حواله آقای مکرّم‌الدوله حاکم طولش نموده؛ مشارالیه نیز حواله را گرفته و فهرست داده و تا کنون وجه آن را عاید نداشته است. سابقاً در ذیل نمرات (۶۸۸۹) و (۱۴۲۱) به خزانه‌داری بر طبق تظلمات آن‌ها شرحی نوشته شده است که قدغن نمائید اداره اجرا آقای مکرّم‌الدوله را حاضر و مطابق فهرستی که مالیه وجه آن را از مشارالیه دریافت و به صاحبان حقوق عاید دارد. حالا از قراری که وزارت جلیله داخله مرقوم می‌دارد، شکایت آن‌ها کماکان باقی و از طرف خزانه‌داری در این باب اقدامی به عمل نیامده؛ سواد مرقومه وزارت داخله و عرض حال آن‌ها را لفاً ارسال داشت که ملاحظه نموده و اکیداً به اداره اجرا قدغن نمائید در وصول حقوق سرکار عزیزالسلطنه و غیره اقدامات لازمه به عمل آورده و شکایت آن‌ها را به زودی مرتفع سازد. لازم است نتیجه را صریحاً اطلاع دهید که به وزارت داخله جواب داده شود.

امضا: ناخوانا

مهر: دفتر وزارت مالیه، نمره ۱۸

۲۴۰-۴۳۵۸

### سند شماره ۳

اهمال حاکمین رشت و طوالش در پرداخت حقوق معوقه سه تن از زنان درباری علی‌رغم دستور شاه در این مورد

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت داخله

سواد مشروحه عزیزالسلطنه و سه نفر دیگر از خواتین

مورخه ۱۰ جوزا ۱۳۳۱

نمره ۱۱۱۷

به عرض حضور مبارک می‌رسانیم مدت سه سال است عارضیم احدی به عرض ما بیچارگان نرسیده. امیدواریم به خدا که حکم قطعی حضرت اقدس والا در حق ماها بفرماید. موجب قراردادی ما که به خرج مالیه رشت منظور است، هزار و نهصد و شصت تومان سنه ایت ٹیل قبوض موجب حضرت علیه عزیزالسلطنه، حضرت علیه حاجیه فاطمه سلطان خانم، حضرت علیه محبوبالسلطنه، نواب علیه فرنگیس خانم.

خودمان را به توسط محسن میرزا رئیس کل پست که از خودمان است، فرستاده شد به رشت رئیس مالیه رشت جناب میرزا کاظم خان قبوض را ضبط برات به حواله طوالش حاکم مکرم‌الدوله نمودند وصول نموده خوردند و از آن مدت هرچه عارض شدیم و جواب دادند از مالیه و غیره مکرم‌الدوله به حکومت سمنان میرزا کاظم خان در رشت بحمدالله تعالی امروز حضرت اقدس والا وزیر داخله هستید حکم قطعی ما را بفرمائید. میرزا کاظم خان رئیس مالیه آمده که موجب ما را به خرج مالیه گذرانده مکرم‌الدوله هم که حاضر هستند. استدعای عاجزانه داریم که حکم فرمائید مأموری میرزا کاظم خان و مکرم‌الدوله را حاضر نموده، از طرف ما هم که فهرست مکرم‌الدوله را دارند حاضر شده، در یک مجلس قطع امر ما را بنمایند حضرت اقدس والا به عرض ماها برسند. خداوند بر عمر عزت حضرت اقدس والا بیفزاید؛ انشاءالله. زیاده عرض ندارم.

امضا: ناخوانا

مهر: ورود بکابینه وزارت مالیه، بتاریخ ۱۲ جوزا ۱۳۳۱، نمره ۲۹۲۲۰

مهر: دفتر وزارت امور مالیه، نمره ۱۷

۲۴۰-۴۳۵۶

### سند شماره ۴

در خواست عزیزالسلطنه و سه تن دیگر از زنان شاه از وزارت داخله مبنی بر دریافت حقوقشان

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت داخله

اداره مرکزی دائره

نمره ۱۱۱۷ و ۵۲۱۸

مورخه ۲۱ جمادی الاخره ۱۳۳۱

ضمیمه سواد

وزارت خلیله مالیه

نواب علیه عزیزالسلطنه و سه نفر دیگر از خواتین محترمه در موضوع حقوق دیوانی که به خرج رشت منظور است، شرح حالی به وزارت داخله داده و از آقا میرزا کاظم خان امین مالیه و مکرم الدوله شکایت نموده‌اند که حقوق سه سال قبل آن‌ها را نپرداخته‌اند؛ مخصوصاً سواد مشروحه آن‌ها را جوفاً ایفاد می‌دارد و خواهشمند است قدغن فرمائید و در این باب رسیدگی نموده، حقوق آن‌ها به عهده هر کدامش گرفته عاید دارند و در نتیجه وزارت داخله را هم مستحضر فرمائید.

امضا: اسداله

مهر: ناخوانا

مهر: ورود بکابینه وزارت مالیه، بتاریخ ۱۲ جوزا ۱۳۳۱، نمره ۲۹۲۲

مهر: دفتر وزارت مالیه، نمره ۱۶

۴۳۵۸-۲۴۰

سند شماره ۵

عدم ارائه یک پاسخ قانع کننده از اداره خزانه‌داری به زنان شاه در مورد پرداخت حقوق آن‌ها

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت مالیه

اداره کابینه

به تاریخ ۹ ثور ۲۱ جمادی الثانی اودئیل ۱۳۳۱

نمره عمومی: ۱۴۲۱

کارتون: ۴۵

دوسیه: ۱

نوع مسوده: مکتوب

پاک نویس کننده: میرزا هاشم خان

اداره خزانه‌داری کل

در خصوص حقوق سنه ماضیه ایت ثیل سرکار عزیزالسلطنه و چند نفر از زوجات مرحوم ناصرالدین شاه که به خرج گیلان منظور در آن سنه از طرف اداره مالیه گیلان به آقای مکرم الدوله که در آن سال حاکم طولش بوده حواله و ایشان حواله را گرفته و فهرست داده و به موجب شکایت صاحبان حقوق وجه حواله مزبور را به آن‌ها نپرداخته است. مورخه ۸ برج قوس ۱۳۳۰ در ضمن مراسله به نمره (۶۸۸۹) شرحی اظهار داشته و ضمناً خواستار شده که قدغن

نمایند اداره اجرا از آقای مکرم‌الدوله یا سند مطالبه نموده یا وجه حقوق عزیزالسلطنه یا سایرین را مطابق فهرست دریافت دارد. از آن زمان تا به حال جوابی نرسیده و اینک موجب اظهار صاحبان حقوق معلوم می‌شود تاکنون در این باب از طرف خزانه‌داری کل اقدامی نشده است. نظر به اینکه آقای مکرم‌الدوله حالیه در طهران و صاحبان حقوق که تجدید شکایت نموده لازم است مقرر دارید اداره اجرا مدلول مراسله فوق را با کمال جدیت به موقع اجرا گذارده که دنبال این شکایت منقطع نگردد.

امضا : ناخوانا

مهر : دفتر وزارت مالیه ، نمره ۱۵

۳۴۰-۴۳۵۸

### سند شماره ۶

#### متوسل شدن زنان درباری به روحانیون و نیروهای مذهبی جهت احقاق حقوقشان

عریضه عزیزالسلطنه محبوب‌السلطنه حاجی فاطمه سلطان خانم

حضور مبارک حضرت حجة الاسلام - سلمه الله تعالی - معروض می‌دارد در سنه ایت ثیل قبوض مواجب خودمان را که هزار و نهصد و شصت تومان بوده، به توسط بانک فرستادیم به رشت و قبوض ما را اداره مالیه رشت به خرج مالیه گذارده است، ولی دیناری به ما ضعفا نداده‌اند. امروز حضرت حجة الاسلام، دادرسی همه ضعفا هستید؛ محض رضای خدا به عرض ما ضعفا هم برسید و شخصی به خزانه‌دار کل مرحمت شود؛ شاید حکم فرمایند در این باب چون رئیس مالیه رشت جناب میرزا کاظم خان آمده، جناب مکرم‌الدوله هم که برات‌های ما را وصول نموده، حیف میل نموده، حاضر است خزانه‌دار کل حکم نمایند جناب میرزا کاظم خان و مکرم‌الدوله و جناب احتشام الممالک هم حاضر شود، معین شود که حقوق ما بیچارگان نزد کیست. امروز دادرسی غیر از وجود مبارک نیست. زیاده امر امر مبارک است.

حاشیه راست:

قبوضات مواجب سنه ایت ثیل ما به توسط محسن میرزا رئیس کل پست فرستاده شد به رشت به توسط بانک

مهر : دفتر وزارت مالیه ، نمره ۱۴

مهر : ورود بکابینه وزارت مالیه ، بتاريخ ۷ ثور ۱۳۳۱ ، نمره ۱۴۲۱

۳۴۰-۴۳۵۸

### سند شماره ۷

استفاده زنان سابق ناصرالدین شاه از فضای پایتخت و مقامات درباری برای احقاق حقوق خودشان

با توجه به آمدن مکرم‌الدوله به تهران

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت مالیه

اداره کابینه

به تاریخ ۲۰ شهر ذی حجه ۸ قوس ۱۳۳۰

نمره عمومی: ۶۸۸۹

نوع مسوده: مکتوب

ضمیمه: ندارد

پاک‌نویس کننده: میرزا هاشم خان

وزارت جلیله داخله

در تاریخ بیستم ربیع‌الثانی به نمره (۹۸۰/۲۶۰) در خصوص حقوق سنه ماضیه ایت ئیل عزیزالسلطنه و فرنگیس خانم راجع به آقای مکرم‌الدوله مختصری در جواب وزارت مالیه مرقوم و سواد مکتوب آقای مکرم‌الدوله را ارسال فرموده بودید. ایشان هم اظهار داشته بودند به اینکه انتظام الممالک گماشته خود را برای انجام این مسئله معین نموده‌اند تاکنون در این باب اقدامی نشده و معزی الیها اغلب در وزارت مالیه برای ایصال حقوق خود شاکی بوده‌اند و حالا چون آقای مکرم‌الدوله به طهران آمده‌اند، لازم است مقرر فرمائید در رفع این گفتگو اقدامی بنمائید. اگر سندی که جوابگوی دعوی مشارالیها باشد در دست دارند، ارائه دهند؛ والله از عهده برآیند. نتیجه توجهات به وزارت جلیله را منتظر است.

امضا: ناخوانا

مهر: ناخوانا

مهر: وزارت امور مالیه، نمره ۱

۲۴۰-۴۳۵۸

#### سند شماره ۸

درخواست عزیزالسلطنه از خزانه‌دار کل برای دریافت سند یا قبضه حقوقشان از مکرم‌الدوله

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت مالیه

اداره کابینه

به تاریخ ۲۰ شهر ذی حجه ۸ قوس ۱۳۳۰

نمره: ۶۸۸۹

کارتون: ۴۵

دوسیه: ۱

نوع مسوده: مکتوب

ضمیمه: ندارد

آقای خزانه‌دار کل

آقای مکرم‌الدوله حاکم سمنان در سال ایت ئیل در گیلان حاکم طولانش بوده و حقوق دیوانی سرکار عزیزالسلطنه و چند نفر از زوجات مرحوم ناصرالدین شاه که خرج آمده گیلان است در آن سال از طرف اداره مالیه گیلان به آقای مکرم‌الدوله حواله شده و ایشان گویا حواله را گرفته، فهرست داده‌اند، ولیکن بر حسب شکایت صاحبان حقوق وجه



حواله مزبور به آن‌ها نرسیده. قبل از اینکه آقای مکرم‌الدوله به حکومت سمنان بروند، صاحبان حقوق به وزارت مالیه شکایت کردند یکی دو مجلس در اداره محاسبات خط دارالمرز با حضور آقای مکرم‌الدوله مذاکره شد، ولیکن به جایی منتهی نگردید. حالیه چون ایشان به طهران آمدند و صاحبان حقوق هم تجدید شکایت کردند، لازم است از طرف خزانه‌داری کل در این خصوص اقدامات لازمه شده، به اداره اجرا مقرر دارند که از آقای مکرم‌الدوله یا سند بخواهند یا قبضه حقوق عزیزالسلطنه و سایرین را مطابق فهرست، مطالبه و دریافت نمایند.

امضا: ناخوانا

مهر: ناخوانا

مهر: دفتر تزارت امور مالیه، نمره ۱۲

۲۴۰-۴۳۵۸

### سند شماره ۹

#### تقاضای مکتوب کردن حق و حقوق زنان درباری و انتخاب وکیل مربوطه برای این امر

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت مالیه

اداره محاسبات خط دارالمرز

به تاریخ ۱۵ جدی ۱۳۳۰

نمره عمومی: ۱۹۱۰۱

نمره خصوصی: ۱۳۰۱

کارتون: ۴۵

دوسیه: ۱

نوع مسوده: مکتوب

وزارت جلیله داخله

مرقومه جوابیه ذیل به نمره ۵۰۱۲/۲۹۸۱۳ به ضمیمه سواد مشروحه آقای مکرم‌الدوله در موضوع حقوق سنه ماضیه ایت ئیل فرنگیس خانم و غیره‌ها شرف وصول بخشید مدلول مراسله مشارالیه فی الحقیقه در مقدمات اولیه عیناً با معروضه وزارت خانه توافق داشت و مقصود وزارت مالیه نه این بود که مکرم‌الدوله تاریخ این معامله را معروض دارد بلکه غرض این بود به مشارالیه مقرر دارد تکلیف برای صاحبان حقوق معلوم نموده و به وکیلی که در طهران وارد دستور لازم بدهد که این مسئله را خاتمه داده و فهرست خود را اتخاذ و پیش حاج آقا خلیل را عوض برات‌ها وصولی با حواله‌جات اداره مالیه به صاحبان حقوق مسترد دارد. متأسفانه به هیچ وجه از این مسئله عنوانی نکرده و به کلی مسکوت عنه گذاشته لازم دانست ثانیاً در مقام تصدیق بوده و تمنا نمائید که مقرر فرموده اتمام این امر را جدّاً از مکرم‌الدوله بخواهند که موجبات آسایش صاحبان حقوق فراهم شود.

امضا: ناخوانا

مهر: دفتر وزارت مالیه، نمره ۸

۴۳۵۸-۳۴۰

### سند شماره ۱۰

تأیید گفتار زوج های ناصرالدین شاه توسط حاکم سابق طالش و قانونی شدن بیشتر حقوق آنها

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت داخله

سواد مراسله حکومت سمنان

مورخه ۲۸ شهر صفر ۱۳۳۰

نمره ۵۰۱۲

مقام منبع وزارت جلیله داخله

تعلیقه به نمره (۴۷۵۸) در خصوص اظهارات وزارت جلیله به بابت حقوق چند نفر از شاهزاده خانمها که در زمان حکومت بنده در طولش از مالیه گیلان حواله شده و تا حالا مانده و سواد اظهارات در باب حقوق را لغأ سال فرموده بودند، زیارت شد. تقریباً به همین قسم که اظهار داشته‌اند، صحیح است. زمانی که بنده به حکومت طولش رفتم، به واسطه قرابت و خصوصیت سابقه که با جناب آقای حاج آقا خلیل داشتم امورات حکومتی طولش در رشت راجع به ایشان بود یک طغرا برات یک هزار و نهصد و کسری به اسم چند نفر از مالیه رشت صادر و به توسط ایشان نزد بنده ارسال شد. بنده هم یک طغرا برات محلی به حواله مؤدیان شهری خدمت ایشان فرستادم. بعد از چندی معلوم شد که وصول نشده. به موجب دو فقره قبض معزی الیه یکی دویست تومان به جهت میرزا نصیر خواهرزاده معزی الیه که شخص... و محترم و متکفل امورات حاج مشارالیه است به اسم صاحبان برات و یک فقره هم به چهارصد تومان به حواله تجارتخانه طومانیانس که در ظهر برات خود معزی الیه قبض کرده از وجه برات پرداخت شد در همان اوقات بنده به طهران آمده، شدم صاحبان برات همان حواله بنده را از آقای حاج میرزا خلیل گرفته که طهران از بنده مطالبه برات خودشان را نمودند با حضور مدیر خط دارالمرز در وزارت مالیه سؤال و جواب شد؛ چون ششصد تومان از این وجه پرداخت شده بود، برات هم یک بخشه بود، قرار شد برات به توسط آقای عین الممالک مدیر خط دارالمرز به اداره مالیه رشت فرستاده شد که تجزیه شود ششصد تومان یک پارچه بقیه به نقطه دیگر حواله شود. به همین قسم معمول شد که سه روز قبل از حرکت بنده بروات را از رشت عودت دادند به توسط وزارت مالیه رد نمودند. بنده هم به تجارتخانه طومانیانس اخطار کردم که تلگراف کنند که قبوض جزو بنده که در تجارتخانه انزلی است، بیاورند که آن قبض چهارصد تومانی در آنجا برداشت شده عوض به صاحبان برات داده شود. عجله در حرکت بنده فرمودند، حرکت نمودم. روز قبل از حرکت، شاهزاده وکیل شاهزاده خانمها را در خانه ملاقات کردم؛ تأکید کردم که بیایند اسناد خودشان را رد و بدل نمایند؛ کوتاهی کرد، نیامدند.

امضا: ناخوانا

مهر: وزارت داخله

مهر: ورود به کابینه وزارت مالیه، به تاریخ ۱۴ حوت... ۱۳۳۰، نمره ۱۹۱۰/۱۳۰۱

۲۴۰-۴۳۵۸

### سند شماره ۱۱

## تلاش حاج آقا خلیل، وکیل قانونی زنان دربار ناصری، مبنی بر اخذ حقوق این زنان که بر مالیات طلالی قرار داده شده بود

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت مالیه

اداره محاسبات خط دارالمرز

به تاریخ ۱۲ ... ۱۳۳۰

نمره عمومی: ۱۸۰۶۷

نمره خصوصی: ۱۲۱۷

کارتون: ۴۵

دوسیه: ۱

نوع مسوده: مکتوب

وزارت جلیله داخله

در سنه ماضیه ایت نیل اداره مالیه گیلان حقوق اشخاص مفصله ذیل را به بابت مالیات طوالش آقای مکرم الدوله که در آن موقع حکومت آنجا را متعهد و امور مالیه را نیز متصدی بوده اند حواله و صاحبان حقوق حواله خود را (عزیزالسلطنه، فرنگیس خانم، محبوب السلطنه، حاجیه فاطمه سلطان خانم) به حاجی آقا خلیل وکیل خودشان داده که از آقای مکرم الدوله وصول و ایصال دارد پس از چندی که معزی الیه از حکومت آنجا منتزع و خود را متنبه به طرف طهران حرکت کردند صاحبان حواله به وزارت مالیه متظلم و احقاق حق نموده بر طبق فهرستی که آقای مکرم الدوله سپرده بود وجه فهرست از ایشان مطالبه شد همچو جواب دادند در موقعی که متصدی امورات حکومتی بوده مبلغ ششصد تومان از کلیه این مبلغ به حاجی آقا خلیل پرداخته و قبض رسید دریافت کرده ام قبض مزبور از ایشان مطالبه شد اظهار داشتند چون این قبض مالیات حواله مزبور است دور حقیقت من سند خرجی برای تأدیه این وجه ندارم لازم است حواله مذکوره را اداره مالیه تجزیه نموده و معادل این ششصد تومان که پرداخته شده برای سند خرج من به خودم حواله دهد بقیه را هم به محل دیگری حواله بدهند مراتب به پیشکار مالیه اعلام و به طوریکه ایشان تقاضا کرده بودند برات مزبور مجری و ششصد تومانی را که ایشان به حاج آقا خلیل پرداخته بودند را به اسم خودشان سند خرج و بقیه را به محل دیگر برات صادر و ارسال و به توسط اداره محاسبات خط دارالمرز به مشارالیه داده شد که قبض ششصد تومان را با سایر حوالجات که به محل دیگر حواله شده به صاحبان آن مسترد و فهرست سواد آنجا داده در این مدت هر قدر به آقای مکرم الدوله در اختتام این عمل اخطار گردیده مشارالیه حاضر نشده و همه را به طفره گذرانید حالا معلوم میشود که چندی است مشارالیه به سمنان رفته و ابدأ قبول در آسایش آن‌ها نداده و صاحبان حقوق هم همه روزه اوقات وزارت مالیه را اشغال کرده و حقوق خودشان را مطالبه می‌نمایند؛ بنابراین لازم است به مشارالیه قدغن دارند که به وکیل خودشان در طهران تعلیمات لازمه در انجام این امر بدهند که به زودی

این مسئله خاتمه یافته که هم به حقوق بیچاره آسوده و بیش از این موجبات زحمت وزارت مالیه را فراهم ننماید.

امضا: ناخوانا

مهر: دفتر وزارت مالیه، نمره ۴

۲۴۰-۴۳۵۸

### سند شماره ۱۲

**پیگیری حقوق زنان ناصرالدین شاه توسط وکیل و نایب وکیل آن‌ها و اظهارات مکرم‌الدوله مبنی بر پرداخت قسمتی از این حقوق معوقه**

مقام منبع وزارت جلیله مالیه

حقوق سنه ایت نیل امیر خاقان که به خرج گیلان منظور بود

اداره مالیه آنجا حواله طوالتش نمودند جناب آقا شیخ محمد آقا وکیل امیر خاقان به توسط جناب حاجی میرزا خلیل نزد مکرم‌الدوله حاکم طوالتش فرستاد. چون به طفره می‌گذرانید، کراراً به آن وزارت جلیله تظلم شد به پیشکار مالیه گیلان مقرر فرمودید وصول و ایصال دارد پیشکار مالیه چندین مجلس با مکرم‌الدوله مذاکره نمودند و جوابی که به امیر خاقان نوشته، ملاحظه می‌فرمایند تا موقعی که دیوان محاسبات بود، چون بایستی حساب می‌داد اظهار می‌کرد و یک هزار و صد تومان به حاجی میرزا خلیل پرداخته‌ام. پس از منحل شدن دیوان محاسبات می‌گوید ششصد تومان پرداخته‌ام. پنج ماه قبل از طرف آن وزارت جلیله، انجام این مسئله به آقای عین‌الممالک مدیر اداره دارالمرز رجوع شد که پس از چندین مجلس مذاکره مکرم‌الدوله مقرر شد این حواله یک هزار و نهصد و پنجاه تومان است و من ششصد تومان پرداخته‌ام؛ بفرستید حواله را در گیلان تجزیه بنمایند. یک حواله ششصد تومان و یک حواله یک هزار و ششصد و پنجاه تومان بنمائید؛ بعداً حواله ششصد تومان را گرفته، قبض آقا میرزا خلیل ادا بنمایم که از مشارالیه دریافت دارید. پس از اینکه فرستادیم، حواله را تجزیه نمودند. همه را به طفره می‌گذرانند نه حاضر نموده و نه قبض حاجی میرزا خلیل را مراسله آقای عین‌الممالک هم چندی قبل صریحاً اظهار داشتند که من از عهده مکرم‌الدوله بر نمی‌آیم چون ممر گذران این جانبان منحصر به این حقوق است، استدعا داریم به اداره اجرا اکیداً مرقوم فرمائید که وجه قبض را از مکرم‌الدوله بدون عذر دریافت و عاید دارند. زیاده عرض ندارم.

مهر: محبوب‌السلطنه

مهر: فاطمه سلطان

حاشیه پایین: جناب آقای عین‌الممالک به اداره خزانه‌داری کل بفرستید؛ به اداره اجرا رجوع نماید.

امضا: ناخوانا

مهر: دفتر وزارت مالیه، نمره ۳

مهر: ورود به کابینه وزارت مالیه، به تاریخ ۱۵ دلو ۱۳۳۰، نمره ۱۸۰۶۷

۲۴۰-۴۳۵۸

### سند شماره ۱۳

**اعتراف وزارت مالیه مبنی بر پرداخت قسمتی از حقوق زنان درباری توسط حاکم طالتش**

نشان تاج و شیر و خورشید  
وزارت مالیه  
اداره گمرک کل مالیه سنیه مراسلات  
به تاریخ نهم دلو لوی ٹیل ۱۳۳۵  
نمره عمومی: ۳۰۱۱۶  
نمره خصوصی: ۱۳۷۷۲  
کارتن: ۴۵  
دوسیه: ۱  
تاریخ ثبت: ۷ برج دلو ۹۵  
نوع مسوده: مکتوب  
موضوع مسوده: مطالبه دوسیه  
پاک نویس کننده: میرزا فضل اله خان ۵ دلو  
تاریخ خروج: ۷ برج دلو  
اداره مالیات مستقیم ایالت طهران

لازم است دوسیه حقوقات سنه ایت ٹیل شاهزاده خانم عزیزالسلطنه و چند نفر دیگر از زوجات مرحوم ناصرالدین شاه را که به مکرم الدوله حاکم سابق طوالش حواله شده و تمام یا قسمتی از آن لم یصل مانده و مدتی در اداره اجرای سابق مالیه مورد تعقیب بوده، به وزارت مالیه بفرستید. ضمناً لازم است حاصل عملیات را که در اداره منحل سابق الذکر شده، تهیه و ضمیمه دوسیه بنمائید. شاید وزارت مالیه به تسویه این امر که چند سال در نوبت اهمال مانده، موفق گردد. کفیل وزارت مالیه

امضا: ناخوانا

مهر: دفتر وزارت مالیه، نمره ۲۵

۴۳۵۸-۲۴۰

سند شماره ۱۴

ایجاد نوعی هماهنگی بین مکرم الدوله که اکنون حاکم خوانسار و گلپایگان شده است با وزارت مالیه در عدم پرداخت حقوق بانوان شاه  
نشان تاج و شیر و خورشید

Tresorerie General de Perse

خزانه‌داری کل ایران

Ind. No: 14903

Tehran, le ۲۶ جدی ۹۵ IRI

مقام منبع وزارت جلیله مالیه

با نهایت احترام در جواب مرقومه مطاعه نمره ۱۲۲۹۷/۲۶۷۳۱ مورخ ۱۱ برج جاری در موضوع حقوق دیوانی سنه ماضیه ایت ٹیل سرکار عزیز السلطنه منصوبان معزی الیها معروض می‌دارد همچنان که مکرر در این موضوع راپورت در خزانه‌داری کل به مقام وزارت جلیله مالیه عرض شد، در تصفیه و تفریغ محاسبات سنه ماضیه ایت ٹیل طولاش جمعی آقای مکرمدولہ پرداخت و تأدیه حقوق فوق‌الذکر کمال علاقه و نهایت ارتباط را داشته و دارد، زیرا اداره مالیه گیلان حقوق شاهزاده خانم‌های مذکور را حواله به محل طولاش داده بوند که آقای مکرمدولہ در جمعی فوق‌الذکر به آن‌ها تأدیه و پرداخت نمایند. پس از اینکه آقای مکرمدولہ به وسیله مرقومه خصوصی بدون نمره وزارت جلیله مالیه مورخ ۲۶ برج ثور ۱۳۳۲ خطاب به اداره مالیات ایالت طهران از مطالبه وجوه حقوق شاهزاده خانم‌ها به توسط اداره اجرا مستخلص گردید، با خزانه‌داری کل قرارداد نموده که محاسبات سنه ماضیه ایت ٹیل ابواب جمعی خودش را تصفیه و تفریغ کرده، ضمناً برائت ذمه خود را از تأدیه وجوه مذکور حاصل نمایند؛ لیکن متأسفانه اقدامات آقای مکرمدولہ سطحی و معلل به طفره و امرار وقت بوده که در خارج زمینه‌سازی برای مأموریت از طرف وزارت جلیله داخله برای خود مشغول بود و هر روزی به یک بهانه از دادن حساب و حضور در خزانه‌داری کل امتناع می‌نمود تا اینکه در ملازمت موکب والا حضرت اقدس ولیعهد - دامت شوکت - به مأموریت و حکومت اردبیل از طهران مسافرت کرده که شرح آن در راپورت نمره (۱۳۶۳۹) پس از حرکت مشارالیه به مقام وزارت جلیله مالیه عرض شده است. بعد از اینکه از تبریز به طهران معاودت کرد، به واسطه تغییراتی که در خزانه‌داری کل به هم رسیده بود، اقدام در جلب مشارالیه برای اتمام محاسبه از طرف خزانه‌داری کل نشده. این بار هم که در گلیپایگان و خوانسار حکومت دارد، تصفیه این حساب غیر ممکن است. به علاوه زمانی که آقای مکرمدولہ در طهران بودند و به خزانه‌داری کل هم حاضر می‌شدند، دلایلی و عللی برای عدم تأدیه تنخواه قبض حقوق دیوانی شاهزاده خانم‌ها ذکر می‌نمودند که مرتفع کردن آن علل با حالت امروزه مملکت نخواهد بود. با وجود این مراتب، هر تصمیمی را که اولیای وزارت جلیله مالیه در موضوع فوق‌الذکر اتخاذ می‌فرمایند، مستدعی است مقرر فرمائید به خزانه‌داری کل ابلاغ نمائید تا از همان قرار رفتار شود. از طرف وکیل خزانه‌داری کل

امضا: ناخوانا

حاشیه راست سند: دوسیه را ضمیمه نموده بدهد جناب آقای ... خودمان اقدام نمائید  
حاشیه پایین راست سند: راجع به این وظایف نیست و قبل از تصفیه، محاسبه آقای مکرمدولہ ممکن نمی‌شود.  
خاتمه به این امر داده شود، ۳۰ جدی.  
مهر: دفتر اداره محاسبات کل مالیه، به تاریخ ۱۰/۲۷ لوی ٹیل ۱۳/۹۵، مانده: ۱۳۷۲، ثبت و به دائره وظایف ارجاع شد.

مهر: ورود به دفتر وزارت مالیه، تاریخ ۲۷ جدی ۱۱۹۵، نمره ۳۰۱۱۶

مهر: دفتر وزارت مالیه، نمره ۲۴

۴۳۵۸-۲۴۰

سند شماره ۱۵

اظهارات حاکم رشت در مورد دلایل عدم پرداخت حقوق زوجه‌های شاه و آوردن بهانه‌های متفاوت

## در جهت عدم پرداخت

مقام رفیع وزارت جلیله مالیه

در سنبله ایت ئیل زمان حکومت مرحوم سردار افخم، یک طغراقبض محض خرج آمده دستورالعمل رشت به مهر این جناب لاکن حقوقات همشیره که سرکار عزیزالسلطنه و دو نفر از زوجات شاهنشاه سعید شهید نوراله مضجعاند که کلیه دوهزار و هفتصد تومان است به تفصیل داده‌ام... به نزد مرحوم سردار افخم فرستاد که وجهش را سردار عزیزالسلطنه، فاطمه سلطان خانم، محبوبالسلطنه،... عزالسلطنه ایصال دارند پس از چهار ماه معطلی واقعه عدایش پیش آمد بعد از هزار زحمت و ماجرا عین قبض را میرزا فتح‌الله خان پیشکار آن زمان رشت دریافت داشت و در اینجا به واسطه‌های مختلف گاهی به مقام نیابت سلطنت عظمی و گاهی به وزارت وقت متظلم از عدم وصولش گردید. گذشته از اینکه نتیجه حاصل نشد، عین قبض هم مفقود گردید؛ چنانچه بخواهند به شرح تفصیل عرض کنیم، به موجب مدت‌ها تضحیح وقت حضرت عالی خواهد شد. حال مستدعی است رئیس اداره دارالمرز مقرر شود که قبض مجددی صادر شود به موجب این ورقه ملتزم و متعهدم چنانچه قبض مفقود را اینجانب مبیعه نامصرفی رسانده باشم، به متضاعف از عهده برایم دوهزار و هفتصد تومان وجه کم نیست که اگر اینجانب به کسی واگذار نمایم، سند خارجی از این جانب بگیرند.

مهر: ورود بکابینه وزارت مالیه، به تاریخ ۲۹ جمادی الاول ۱۳۰۹، نمره ۵۸۷۱

۴۳۵۸-۲۴۰

## سند شماره ۱۶

پیگیری دلایل عدم پرداخت حقوق و احظار مکرمدوله به وزارت مالیه و اعتراف او به این امر

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت مالیه

اداره کابینه

به تاریخ ۲۶ رجب ۱۰ سرطان اود ئیل ۱۳۳۱

نمره عمومی: ۴۰۰۰

کارتون: ۴۵

دوسیه: ۱

نوع مسوده: مکتوب

وزارت جلیله داخله

مرقومه محترمه نمره (۵۴۱۸/۱۱۱۷) راجع به حقوق ایت ئیل نواب علیه عزیزالسلطنه و سه نفر دیگر از زوجات مرحوم ناصرالدین شاه شرف وصول بخشیده، جواباً معروض می‌دارد که آقای مکرمدوله را در اداره اجرای مالیه حاضر و با حضور مشارالیه معلوم گردید که یک طغراقبض حواله که آقای میرزا کاظم خان پیشکار سابق گیلان از بابت این حقوق و بعضی حقوقات دیگر داده و معادل یک هزار و سیصد و بیست تومان می‌باشد، به کلی لا وصول مانده

است. بدین لحاظ از طرف اداره کل مالیات حواله مزبور به گیلان فرستاده شد که به توسط پیشکار مالیه حالیه وصول و ایصال گردد.

امضا: ناخوانا

مهر: دفتر وزارت مالیه، نمره ۲۰

۴۳۵۸-۲۴۰

### سند شماره ۱۷

اقدام اداره محاسبات کل کشور در جهت روشن نمودن معوقات زنان شاه و بیگیری این امر

نشان تاج و شیر و خورشید

وزارت مالیه

اداره محاسبات کل مالیه سنه مراسلات

نمره کتاب ثبت: ۲۶۷۲۱/۱۲۳۹۷

کارتن: ۴۵، دوسیه: ۱

ضمیمه: سواد

تاریخ ثبت: ۱۱ جدی ۹۵

اداره خزانه داری کل

در تعقیب مراسله مورخه ۲۶ سرطان ۱۳۳۱ آن اداره به نمره ۷۵۸۸ راجع به حقوق دیوانی سنه ایت ئیل عزیزالسلطنه که لم یصل مانده و تعقیب آن به اداره اجرای سابق مالیه مرجوع بود، اینک سواد مشروحه وجه که از خانم‌های سابق‌الذکر رسیده لفاً ارسال و تأکید می‌نماید که در باب تسویه این عمل تعلیمات لازمه به اداره مالیات مستقیم طهران که حاصل اقداماتی را که تاکنون از آن اداره شده تحقیق و نتیجه را به وزارت مالیه اشعار دارید تا جواب مقتضی داده شود.

امضا: ناخوانا

وزیر مالیه

مهر: ورود به وزارت مالیه، نمره ۳۳

۴۳۵۸-۲۴۰

### سند شماره ۱۸

درخواست تأدیه حقوق یکی دیگر از بانوان دربار به نام محبوب‌السلطنه از طریق موکل او

مقام منبع وزارت جلیله مالیه

در خصوص یک هزار و نهصد و پنجاه تومان حقوق دیوانی ایت ئیل ۱۳۲۸ سرکار محبوب‌السلطنه و بستگان معظم‌الیهها که صورت آن ذیلاً از ملاحظه مبارک می‌گذرد به خرج دستورالعمل گیلان منظور و ارسال مزبور به توسط جناب آقا خلیل رشتی از اداره مالیه رشت در حکومت آقای مکرم‌الدوله به محل طوالش صادر و آقای مکرم‌الدوله حواله مزبور را ضبط و با پیشکار مالیه محسوب و پیشکار مالیه هم قبوض را به خرج دولت مسطور داشته ولی



وجه قبوض را نپرداخته بودند و مدتی این مسئله در اداره محاسبات خزانه‌داری مطرح و بالاخره مقرر شد اداره اجرا خزانه‌داری وجه قبوض را از آقای مکرم‌الدوله وصول و ایصال دارند به واسطه تغییر شکایت خزانه‌داری اجراء حکم به تأخیر افتاده و فعلاً در این موضوع به عدلیه اعظم تظلم شده و محکمه مرجوعه از سابقه این عمل به طوری که عرض شده تصدیقی خواسته‌اند؛ لذا متمنی است مقرر شود اداره محاسبات رجوع به سابقه که در آن اداره و اداره اجرا ضبط است نموده تصدیقی بدهند که برای احقاق حق معظم البیهم وسیله شود.

مهر: محبوب‌السلطنه

محبوب‌السلطنه، عزیزالسلطنه، فرنگیس خانم، حاجیه فاطمه خانم  
حاشیه بالای سند: آدرس تکیه و باغخانه آقای احتشام

مهر: ورود بکابینه وزارت مالیه، بتاريخ ۲۹ جدی ۱۳۳۵، نمره ۲۶۷۲۱  
۴۳۵۸-۲۴۰

#### سند شماره ۱۹

#### درخواست یکی از خدمتکاران حرم شاهی از شاه در جهت اعطای هدایا و پیشکش به او

قربان خاک پای جواهر آسای مبارکت گردم

این کمینه بنده فدوی، سال‌های سال در مسلک خدام حرم محرم خاقان مغفور، قبله عالم را به خدا و رسول و به مرتضی علی و به حرمت قبر خاقان مغفور قسم می‌دهم که مرا ناامید بر نگردان و از این کمینه قبله عالم صله رحمی نزدیک‌تر ندارد و احسان صله رحم باعث طول عمر و دوام دولت است مسلک بوده جیره و مواجب و انعام در هر سال مستمر و برقرار و در شب‌های عید سرافراز به خلعت بسیاری بودم. بعد از قصد خاقان جنت مکان بلکی از تمامی ممنوع و مقطوع‌الید گردیده، در گوشه منزوی و مشغول مغفرت شاهنشاه جنت مکان دعاگوی استدامت دولت ابد مقرونم. به واسطه عدم مداخل و بی‌اوضاعی، به مرتبه پریشانی دست داده که نمی‌توانم جسارت به عرض بندگی در سپاس بنمایم. از آنجا که تمامی مکان حرم محترم به انعام و مواجب و وظایف و مستمری‌ها مفتخر و سرافراز آمده، استدعا این کمترین کمینه از مراحم بیکران خسرو عادل باذل است که نظر مرحمتی چون سایر خدام و حواری به این جان‌نثار فدوی فرموده و به جهت معیشت مستمری برقرار که آسوده خاطر تمام اوقات شبانه‌روز به دعاگویی مشغول و ثمر جان را در این دولت مصروف و مبدول داشته. امر الاشرف الامجد الارفع الاعلی مطا حاشیه بالای سند: به پسر شاه قلی میرزا خلعت به خود شاه قلی میرزا هم ترمه باشد، پسر سهراب خان غلام که خلعت، پسر فتح اله میرزا شعاع‌السلطنه خلعت واجب واجب است.

دختر فتحعلی آقا برادر لطفعلی آقا چارچی شاه مرحوم یک دست خلعتش بدهند چارقد شلوار

۳۶۱-۲۹۵

#### سند شماره ۲۰

#### اختلافات خانوادگی در دربار شاهی و موضوع تعدد زوجات یکی از شاهزادگان

خانم من عزیزم

بعضی مطالب است که نمی‌توانم زبانی عرض بکنم؛ در حضور خجالت می‌کشم. در خصوص ام‌الخاقان، من

از روزی که به شما تلگراف کردم، او را طلاق داده‌ام و اگر مالیه به کلی بیان بفرمائید که من دو مرتبه با این زن صلح بکنم، حالا که نگاه به او می‌کنم، محال است؛ رشته بریده. مثلاً وی را که طبع من از طرز سلوک و رفتار او رنجیده است، به حدی که اصلاح به تربیت و سؤال او در آن خانه از برای من ضررهای کلی دارد که نمی‌توانم به کلی آن‌ها را به زبان بیاورم. ... در این مدت حالا نمی‌توانم با او راه بروم و قبله عالم هم حکم فرموده بودند که من او را به احترام بیاورم همراه خود با عزت و احترام آوردم. حالا مقرر بفرمائید عقد او را پس بخوانید و من هم او را روانه می‌کنم می‌رود.

خدمت نواب علیه عالم عزت الدوله - دامت شوکتها - که با وقت رفتن من کالسکه و نوکر بیگم رفته که مراجعت کند

در خصوص غلامزاده خود را محمد علی میرزا من او را... قبله عالم آورده‌ام استدعا می‌کنم که او را به غلام بچگی خودشان قبول بفرمائید و در قهوه‌خانه مبارک خودشان باشد.

۳۷۷۷-۲۹۵

#### سند شماره ۲۱

درخواست همسر یکی از درباریان تازه مسلمان شده از شاه در مورد قطع مستمریشان پس از وفات او

غرض استدعای کمینه زوجه ملا ابراهیم جدید ولد ملا رحیم ساعت ساز بعد از آنکه ملا ابراهیم از روی معرفت اسلام آورد، خاقان مغفور - نورالله مضجعه - به این دعاگوی جان نثار تکلیف اسلام فرمود باشد، رضا قبول اسلام کردم. مرحوم مبرور وظیفه مستمری را از نقد و جنس عنایت فرمودند که گذران دعا گوی میشد تا هنگام سفر اصفهان که خدا نخواست و مراجعت فرمودند تاکنون دعا گویان به عسرت و پریشانی گذران می‌کنم بر صدق عرض کمینه کلاً خدام سراق عصمت و جلال گواه می‌باشد که این وظیفه دفتری نشده. این اوقات به خاک پای مبارک عرض شد حسب الامر مقرر شد که تفصیل عیال خود را به خاک پای مبارک عرض نمایم که قراری داده شود این دعا گوی ده نفر عیال می‌باشم که به عسرت می‌گذرانیم. امر، امر سرکار است. حاشیه بالای سند: شاه مرحوم این‌ها را مسلمان کرده در زمان وظایف مرا هم معین کند.

۵۷۷۵-۲۹۵

#### سند شماره ۲۲

درخواست یکی از خواهران شاه در مورد تعلق گرفتن یک خانه مسکونی به او  
فهرست عرایض همشیره جهانگیر مبرور متعلقه به عالیجاه عبدالله خان سرهنگ به تاریخ شهر جمادی الثانی ۱۲۵۵ همه امثال و اقران کمینه از التفات و مرحمت اعلی حضرت شاهنشاهی - روحی و روح العالمین فداه - همه صاحب مواجب و تیول هستند. از اوضاع و زندگانی کمینه سرکار اقدس همایون شهریاری استحضار دارند. استدعا دارد به هر نوع التفات بر امثال این کمینه فرموده‌اند در نزد آن‌ها سرافراز فرمائید که در نزد امثال و اقران باعث انفعال نگردد و امثال و اقران هزار تومان دارند.

این کمینه آمده در همدان خانه دیگری نشسته، عبدالله خان بعد از قرض چاره‌ای ندارد که خانه بگیرد؛ چنان‌که

در این باب التفات‌ها به این کمیته دعاگو بفرمائید، باعث سرافرازی خواهد شد.  
جناب حاجی آنچه صلاح می‌دانید، از مواجب و خانه امر نمائید.  
حاشیه بالای سند: به نظر همایون رسید  
حاشیه دیگر: مضبوط شود

۲۹۵-۵۷۸۴

### سند شماره ۲۳

#### درخواست فرزندان محمد تقی میرزا در مورد اختلافشان با تاجر شیروانی

محمد حسن میرزا استدعا کرده است که در مازندران دهی داریم مال آن بیست تومان است. عوض انجام فرمان مرحمت فرمائید.

مقرر شده است که عوض مواجیشان حساب شود. پسر اسکندر میرزای پسر ملک آراست.  
استدعای عیال و اولاد محمد تقی میرزا دو سال است به واسطه ادعای تاجر شیروانی مستمری ما نرسیده است و خسارت کلی کشیده‌ایم. مقرر فرمائید که برات مواجب ما صادر شود.  
مقرر شده است که باید مواجیشان را برسانید؛ برات صادر شود.

مهر: ناخوانا

۲۹۵-۵۱۰۷

### سند شماره ۲۴

#### درخواست‌های متوالی جمعی از شاه‌زادگان مینی بر احقاق حقوق خودشان

فهرست عرایض که روز جمعه به عرض اقدس همایون پادشاهی - روخنا فداه - رسیده، احکام آن‌ها شرف صدور یافته به تاریخ ۵ شهر صفرالمظفر سنه ۱۲۵۵.  
استدعای همشیره حاجی میرزا علیرضا که باغ و حمام و طاحونه موروثی دارم مبلغ سی و هفت تومان مالیات آن‌هاست. آن را تصدق فرموده، به تخفیف مرحمت فرمائید که مایه معیشت کمیته باشد.  
مقرر شده است که ۳۷ تومان تخفیف او باشد.  
استدعای آقا یعقوب خواجه همشیره فرمانفرما این است که مستمری مرحمت فرمایند که معاش کسر بنده بگذرد مقرر شده است که میرزا حسن وظیفه از... پیدا کند بیست تومان.  
در باب این بنده درگاه به خاک پای مبارک عرض کرده حکم فرمودند که به بابت عاملین عیال فرمانفرما مرحمت فرمایند.

استدعای کمیته بنده این است که مواجب والدهام پانصد تومان است؛ آن را هم به قریه لاله جین حواله فرموده و فرمان همایون صادر شود. مقرر شده است که مواجب والدهاش هم به لاله جین حواله شود.

والده بیگم خانم استدعا نموده است که به همه کس مستمری مرحمت شده، مگر این کمیته، وجه معیشت و گذرانی عنایت فرمایند.

جناب حاجی مادر زن سپهدار مواجب می‌خواهد.

زوجه مرحوم ولی خان سرمست استدعا نموده است که پانصد تومان قرض دارم؛ دختری هم از ولی خان دارم. حبیب خان نه قرض ما را می‌دهد، نه حق پدری خواهر خود را می‌دهد. به این واسطه پریشان هستیم. مقرر شده است که عالی جنابان حبیب اله خان باید حق خودش و دخترش را بنا بگذارد؛ البته. عریض کوچ محمد ولی میرزا این است که هزار و چهارصد تومان برات موجب و انعام در آمده است؛ مقرر فرمایند که به جای سریع الوصول حواله نمایند. املاک موروثی کرد محله را به این کمینه مرحمت فرمودند؛ نقد و جنس آن را دو سه سال است نمی‌رسد؛ مقرر فرمایند بدهند.

جناب حاجی عمو زن محمد ولی میرزا ده فونیک او بیع شرط می‌رود و پول می‌خواهد حق اربابی او را از کرد محله عباس خان می‌گیرد، نمی‌دهد. استدعای صبیبه امیر خان خواهر ولی خان این است که چهار نفر صغیر دارم؛ پیش‌تر موجب محمد خان را استدعا نمودم، مقرر فرمودند جناب حاجی - سلمه اله - بنا بگذارند ثلث موجب را که سی تومان است، دادند چهار نفر صغیر و قرض بسیار چگونه گذران نماید. مقرر شده است که آقا خان قرض دار است به فخرالدوله و شاهزاده بدهد جناب حاجی قراری بگذارند که به مرور بدهند.

استدعای کوچ اسماعیل میرزا این است که موجب دو ساله ما نرسیده است. مقرر فرمائید بدهند و شاهزادگان را مرخص و فرموده‌اند از اردبیل به تبریز بروند ما را هم مرخص فرمایند به تبریز برویم. خانه بدهند در آنجا باشیم. جناب حاجی بسیار خوب

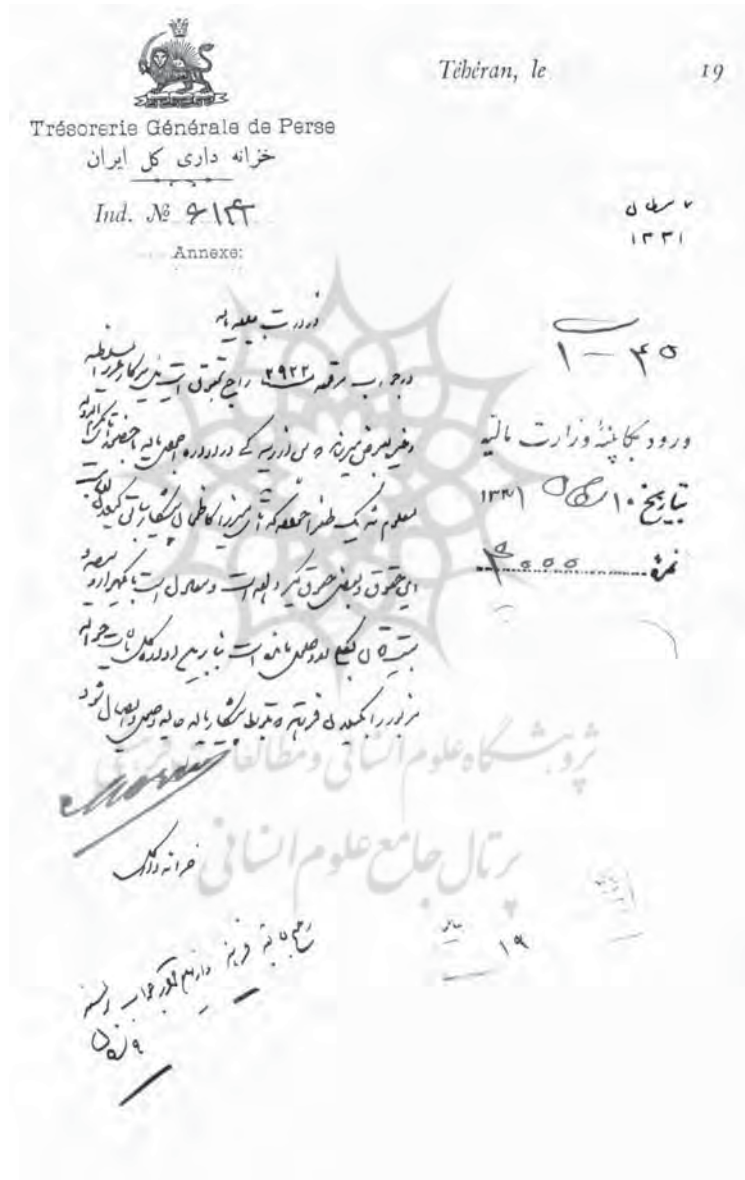
۲۹۵-۵۱۰۷

#### منابع:

- فوران، جان، مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، چ ۴، تهران، رسا، ۱۳۸۲.
- ویشارد، جان، بیست سال در ایران، ترجمه علی پیرنیا، تهران، نوین، ۱۳۶۳.
- ترکچی، فاطمه و علی ططری، اسناد بانوان در دوره مشروطیت و دوره دوم و سوم مجلس شورای ملی، تهران، مرکز اسناد مجلس شورای ملی، ۱۳۹۰.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسین خان، روزنامه خاطرات، کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۰.
- دلریش، بشری، زن در دوره قاجار، تهران، دفتر مطالعات دینی هنر، ۱۳۷۵.
- بی‌بی خانم استرآبادی، معایب الرجال، ویرایش افسانه نجم‌آبادی، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۷۱.
- تاج‌السلطنه، خاطرات تاج‌السلطنه، به کوشش مسعود عرفانیان، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۸.
- اوین، اوژن، ایران امروز، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، جهان، ۱۳۶۲.
- دیولافوا، سفرنامه مادام دیولافوا، ترجمه همایون فره‌وشی، چ ۲، تهران، خیام، ۱۳۶۱.
- رابینو، ه. ل، سفرنامه مازندران و استرآباد، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، چ ۲، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳.


- آباکولیو، کلارا کولیو رایس، *زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان*، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد، آستان قدس، ۱۳۶۶.
- سرنا، کارلا، *مردم و دیدنی‌های ایران*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳.
- ادیب الملک، *سفرنامه ادیب الملک به عتبات*، تصحیح مسعود گلزاری، تهران، دادجو، ۱۳۶۴.
- کرزن، جرج ناتیل، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه ع. وحید مازندارنی، ۲ ج، تهران، بنگاه و ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰.
- «حیل‌المتین کلکته»، سال بیست و دوم، ۱۵ جمادی‌الثانی ۱۳۳۲، شماره ۱، صص ۷-۸.
- ناظم الاسلام کرمانی، *تاریخ بیداری ایرانیان*، ج ۲، به اهتمام اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، آگاه، ۱۳۶۲، ص ۴۵.
- مستوفی، عبدالله، *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوران قاجاریه*، ج ۲، ۳ ج، تهران، زوار، ۱۳۴۳.
- نجفی فوجانی، محمدحسن، *سیاحت شرق*، تصحیح رمضانعلی شاکری، ج ۲، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- پولاک، یاکوب ادوارد، *سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۱.
- ناهید، عبدالحسین، *زنان ایران در جنبش مشروطه*، تبریز، احیا، ۱۳۶۰.
- هدایت (مخبر السلطنه)، مهدی قلی خان، *گزارش ایران*، به اهتمام محمدعلی صوتی، ج ۲، تهران، نشر نقره، ۱۳۶۳.
- عین‌السلطنه، *روزنامه خاطرات*، کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۷۴.
- مونس‌الدوله، *خاطرات مونس‌الدوله ندیمه حرمسرای ناصرالدین شاه*، به کوشش سیروس سعدوندیان، تهران، زرین، ۱۳۸۰.
- زاهد زاهدانی، سعید، *بهائیت در ایران*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.

پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





۱۷



وزارت داخله  
سواد مشرفه غیر المصلح و غیره در امور مالی  
موجوده ۱۰ جوزا ۱۳۳۱  
نمبره ۱۱۱۷

بمقام حضرت بزرگوارین شیخ محمدتقی میرزا است عارضیم لایحه باینکه با سایر کسان نرسیده  
دریغ داریم بکدام حکم قطعی حضرت آقا میرزا محمدتقی و والدینش، اما بفرمایند بر حسب قرارداد و  
که بخرید، این رشته منظور است هر دو نصف وقت آن شش است نیز قویتر است.

حضرت عالی عمر آقا	حضرت عالی محمدتقی میرزا	حضرت عالی محمدتقی میرزا	حضرت عالی محمدتقی میرزا
----------------------	----------------------------	----------------------------	----------------------------

خودمان را بر سر خط من نیز از این کلام است که از خودمان است فرستاده شد رشته  
این لایحه رشته جناب میرزا کاظم خان قوی لا ضبط برات بکمال طوالتش  
حاکم مکرم الدوله نمودند و منتهی خود را در آن کتب است هر چه عارض شدیم جواب دادند  
در لایحه و غیر مکرم الدوله بگذاشتند من نیز از کاظم خان در رشته بکمال تعالی  
از روز حضرت آقا میرزا و در آن کتب است حکم قطعی را از این لایحه نیز از کاظم خان  
باین لایحه است بر حسب این لایحه که از آن مکرم الدوله هم در حاضر است  
است عارض فرمائید که حکم فرمایند از میرزا کاظم خان و مکرم الدوله را حاضر  
نشدند طرف نام حضرت مکرم الدوله را دارند حاضر شد در یک بعضی قطع  
از ما را باینکه حضرت آقا میرزا و والدینش، اما بفرمایند خود را در بر عمر غوث حضرت  
آقا میرزا و والدینش، اما بفرمایند

محمد حسن نیا

پیام بهارستان / ۲۳، س، ۶، ش / زمستان ۱۳۹۲





وزارت داخله

اداره مرکزی دائره

نمبره ۱۱۱۷ / ۵۲۱۸

مورخه ۲۱ شهر جمیران ۱۳۳۱  
ضمیمه لراد

وزارت عدلیه

نواب عبدغیرت سید محمد رفیع و دیگران در حق خود در موضوع حقوق ویرانه دنیا که بخواهند در نظر آید  
شرح حال بزرگوار و در حد درده و زردی و غیره که بخواهند این مایه و مکرم الله و کسب نموده اند  
که حقوق رسالت قبور آنها در گذشته از تصرف سایر مردم و در حد درده و کسب نموده اند  
تذخیر سید در مقام رسیدگی نموده حقوق آنها بجهت هر کدام شکر کرده عاید در حد درده و کسب



وزارت عدلیه سید محمد رفیع

وزیر و بکایت وزارت مالیه

تاریخ ۱۳ جمادی ۱۳۳۱

نمبره ۲۹۲۴

۴۵ = ۱

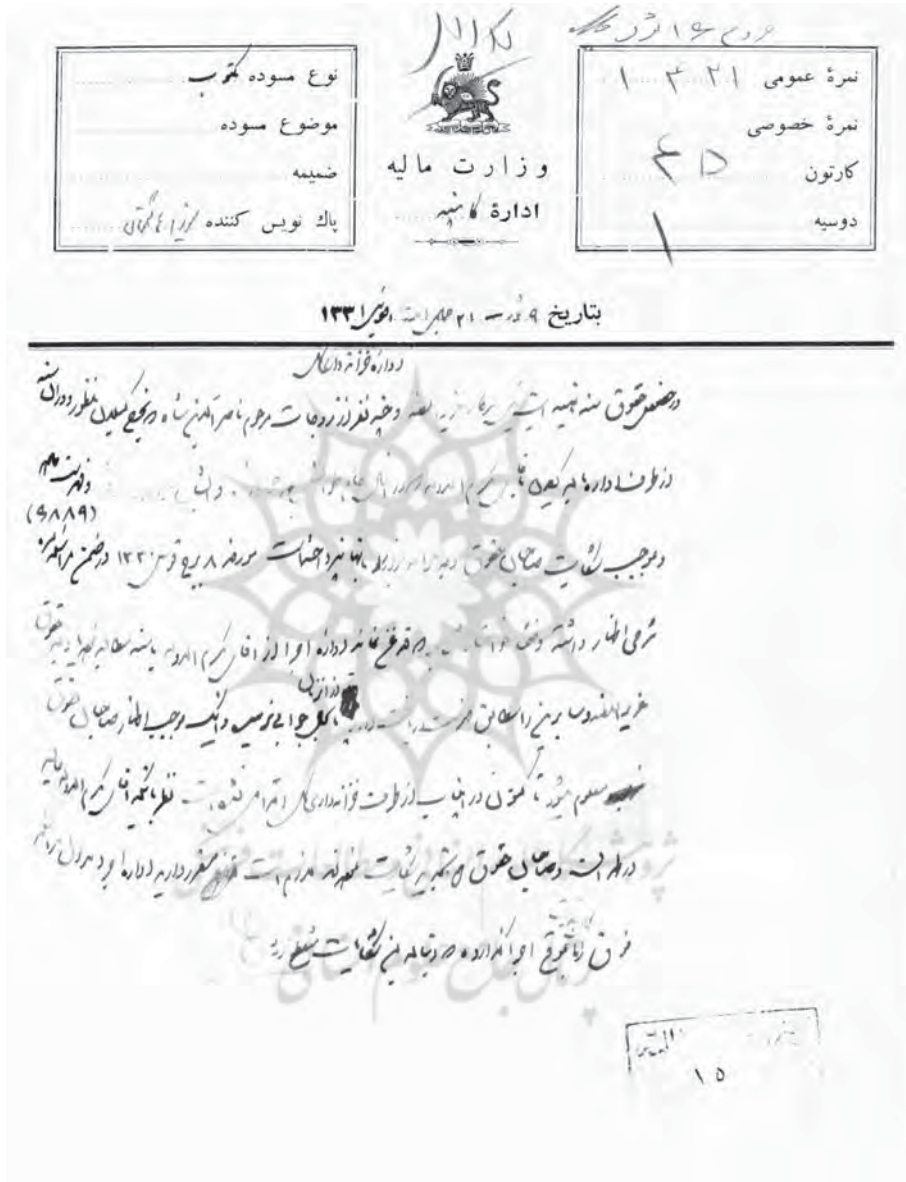
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

موسسه عالی علوم انسانی

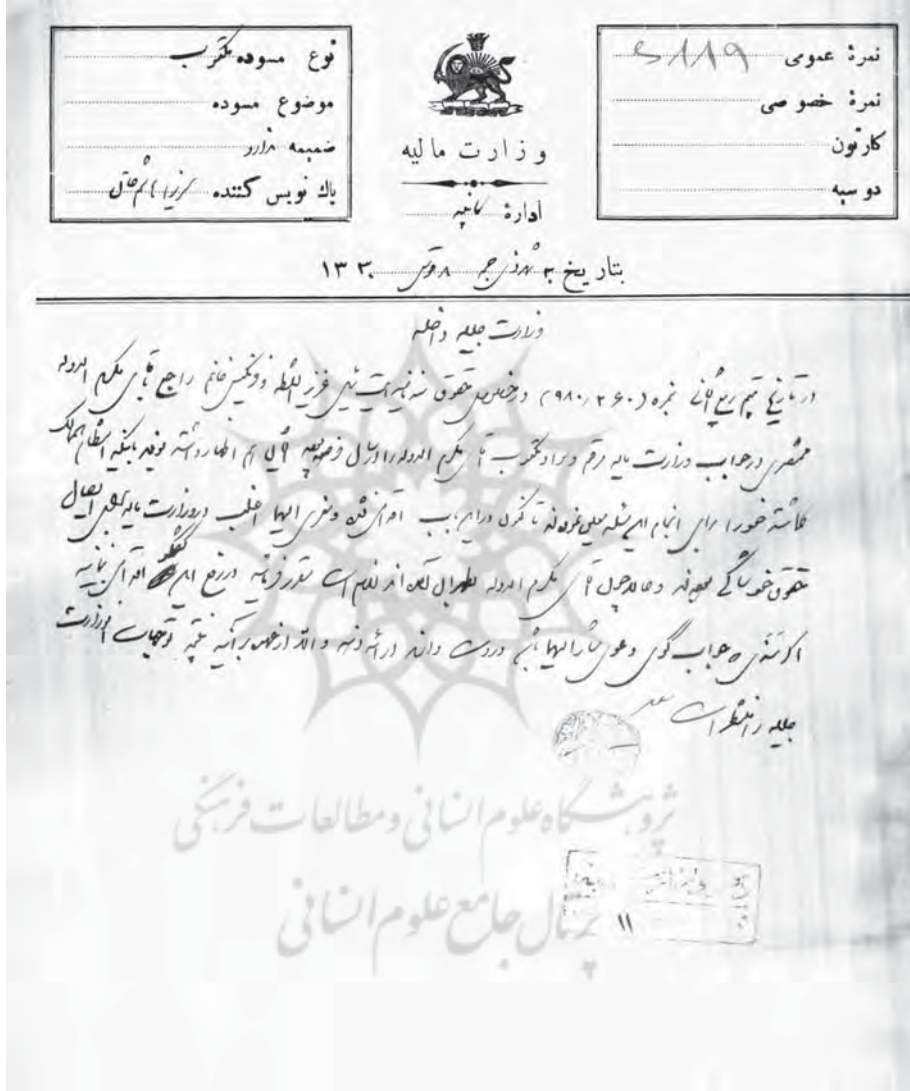
۱۹

۱۳ شهریور

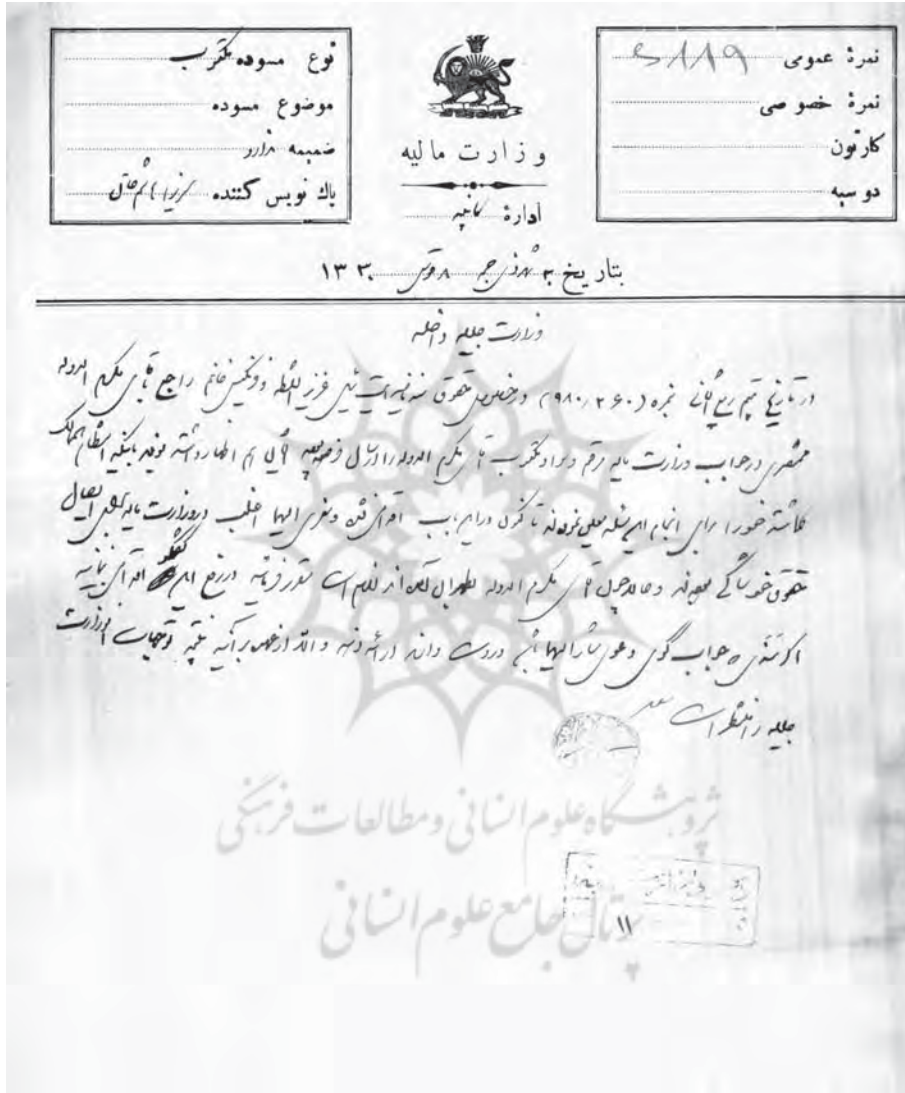
جمع نامه فرستاد







پیام بهارستان / ۲۵، س ۶، ش ۲۲ / زمستان ۱۳۹۲



پیام بهارستان / ۲۵، ۲۴، ۲۳ / زمستان ۱۳۹۲



وزارت داخله  
سواد رسد دولت محترم  
تورخه ۲۸ بهمن ۱۳۳۰  
نمرة ۵۰۱۲

تعمیرات و وزارت محتسب

مقرر شد ۷۵۸۸ ریال جهت تعمیرات در وزارت محتسب بابت محتسبان خدمت از سال ۱۳۳۰ و در وزارت محتسب  
 خراسان ۴۸۸ ریال بابت تعمیرات در این وزارت محتسب بابت محتسبان خدمت از سال ۱۳۳۰ و در وزارت محتسب  
 و در وزارت محتسب بابت محتسبان خدمت از سال ۱۳۳۰ و در وزارت محتسب بابت محتسبان خدمت از سال ۱۳۳۰  
 میان ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۱ ریال ۱۳۵۰۰ ریال در این وزارت محتسب بابت محتسبان خدمت از سال ۱۳۳۰ و در وزارت محتسب  
 ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۱ ریال ۱۳۵۰۰ ریال در این وزارت محتسب بابت محتسبان خدمت از سال ۱۳۳۰ و در وزارت محتسب  
 ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۱ ریال ۱۳۵۰۰ ریال در این وزارت محتسب بابت محتسبان خدمت از سال ۱۳۳۰ و در وزارت محتسب  
 ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۱ ریال ۱۳۵۰۰ ریال در این وزارت محتسب بابت محتسبان خدمت از سال ۱۳۳۰ و در وزارت محتسب  
 ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۱ ریال ۱۳۵۰۰ ریال در این وزارت محتسب بابت محتسبان خدمت از سال ۱۳۳۰ و در وزارت محتسب  
 ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۱ ریال ۱۳۵۰۰ ریال در این وزارت محتسب بابت محتسبان خدمت از سال ۱۳۳۰ و در وزارت محتسب  
 ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۱ ریال ۱۳۵۰۰ ریال در این وزارت محتسب بابت محتسبان خدمت از سال ۱۳۳۰ و در وزارت محتسب  
 ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۱ ریال ۱۳۵۰۰ ریال در این وزارت محتسب بابت محتسبان خدمت از سال ۱۳۳۰ و در وزارت محتسب  
 ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۱ ریال ۱۳۵۰۰ ریال در این وزارت محتسب بابت محتسبان خدمت از سال ۱۳۳۰ و در وزارت محتسب

پیام بهارستان / د، ۶، ش ۲۲ / زمستان ۱۳۹۲

دفتر محترم  
 ...  
 ۱۸ ...  
 ۱۸۰۹۷۷ / ...  
 مقام فصیح در دست جلیله باید

اوله...  
 ...  
 ...  
 ...  
 ...  
 ...  
 ...  
 ...  
 ...  
 ...  
 ...  
 ...  
 ...  
 ...  
 ...  
 ...  
 ...  
 ...  
 ...  
 ...

حقوق نسبه ایست پدر امجان در کنگر سلطنتی در...

۱۳۱۷  
 ۱۵  
 ...

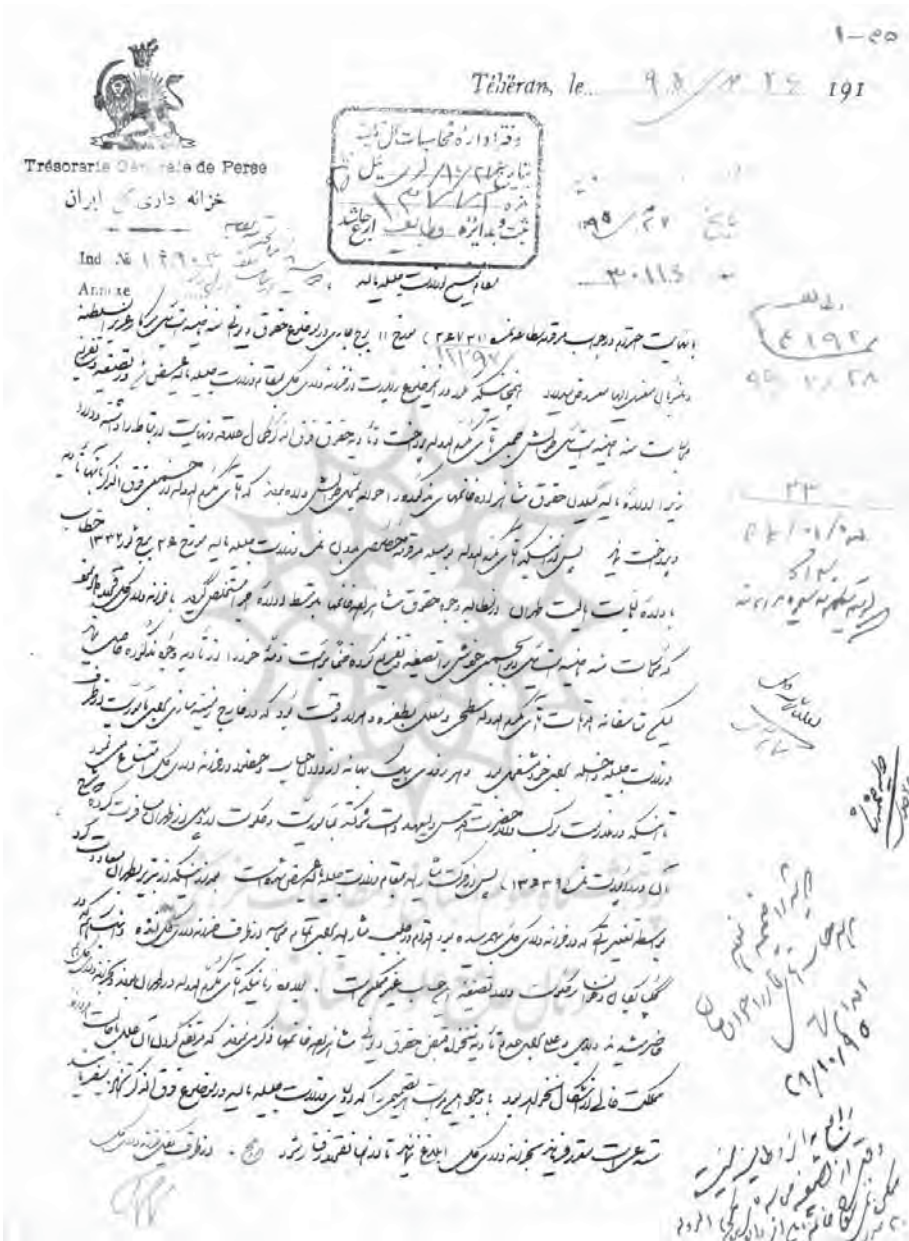
...  
 ...

...  
 ...

...  
 ...

...  
 ...

پیام بهارستان / ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳ / زمستان ۱۳۹۲



پیام بهارستان / د، س، ۶، ش / ۲۲ / زمستان ۱۳۹۲

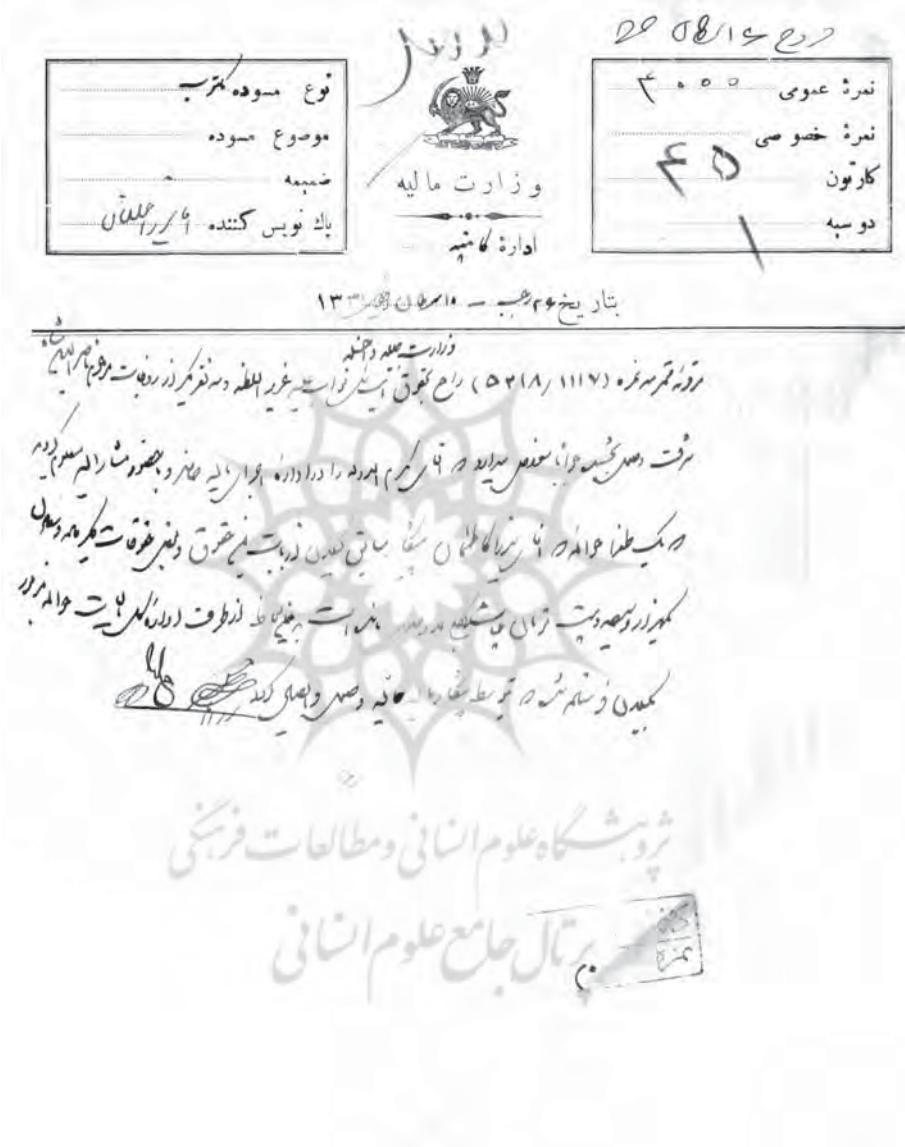


عقدت

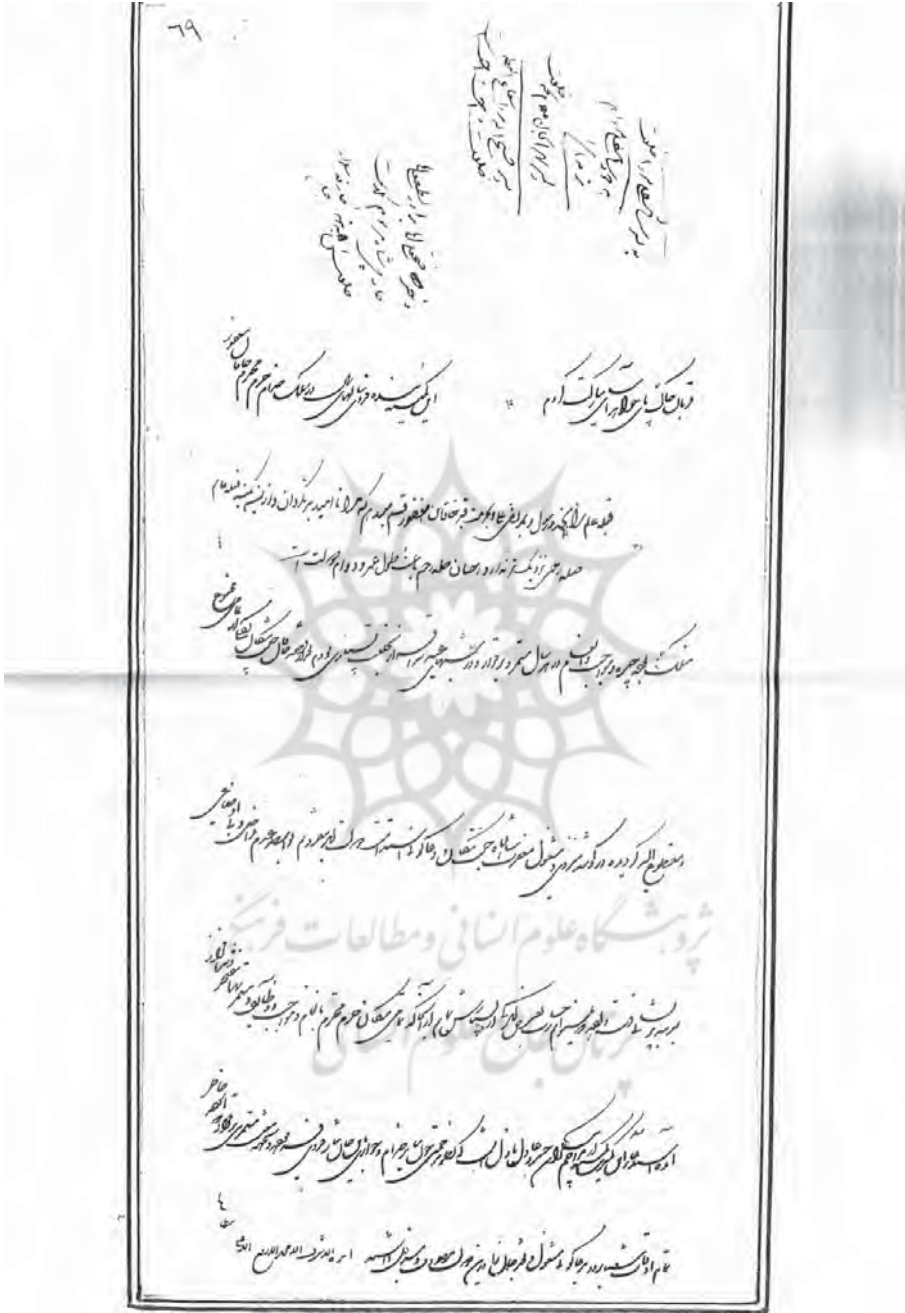
تعداد این برداشت مجید...  
 درستی زنان حکومت محمد مراد قاجار...  
 فیصله مجمع است...  
 قوت بهره که از صاحب...  
 خدا میبخشد...  
 مخصوص...  
 کشف حجاب...  
 اطلاع...  
 اتصال...  
 سواد...  
 کفایت...  
 ولایت...  
 دولت...  
 قضا...  
 صلح...  
 در...  
 سر...

شهباز خان...  
 ۲۲ شهریور ۱۲۹۲

پیشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی  
 بر تال جامع علوم انسانی



پیام بهارستان / د، س، ۶، ش ۲۲ / زمستان ۱۳۹۲



عوض استند عاقرت رزبه ملا ابراهیم مجتهدی المولود کرم  
ساده تمام اسبابها که در آن  
در بیان با طالع میرزا محمد  
شماره  
کعبان  
مبارز آنکه ملا ابراهیم زودتر از سلامت آمد در دفاعان مخوف از آنکه بجهت پند  
تقدیر سلام فرمود بشتر از قبل سلام کردم و در این طیفه تمام از آنکه  
که کدوان که میشدند به هم میفرمودند که خداوند است و در صحبت فرمودند تا کون دعا کرد  
عبادت در پیشانی کدوان یکتیم بر صدق عرض کنید که خدا هم اذن عصمت و جلال  
پیشند که این طیفه دفتر نشد این اوقات بجای مبارک بنویسند که  
که فیصل علی خورشید بجای بنویسند تا هم که در در راه انداخته زودتر از این که  
از اسرار  
از اسرار  
از اسرار  
از اسرار  
از اسرار  
از اسرار  
از اسرار  
از اسرار  
از اسرار  
از اسرار